

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



گامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان وموانع آن»



سازمان اوقاف و امور خیریه
معاونت فرهنگی و اجتماعی

گامی به سوی زندگی به سبک اسلامی «ازدواج آسان و موانع آن»

ناشر: معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تهیه و تنظیم: مجتمع فرهنگی پژوهشی

مولف: محسن عباسی ولدی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قطع: پالتویی

نوبت چاپ: مرداد ماه ۱۳۹۲

شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

سایت سازمان: www.awqaf.ir

سایت معاونت: www.mfso.ir

سایت مجتمع: www.mfpo.ir

آدرس: تهران، خیابان نوفل لوشاتو، سازمان اوقاف و امور خیریه

معاونت فرهنگی و اجتماعی

آدرس مجتمع: قم، خیابان شهدا (صفائیه)، کوچه ممتاز، کوچه ۷

پ. ۳۲، مجتمع فرهنگی پژوهشی

معاونت فرهنگی و اجتماعی سازمان اوقاف و امور خیریه

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۴۶۴۳۱، فاکس: ۰۲۵-۳۷۷۳۷۱۳۱

اهدایی معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه

مقدمه

رسول خدا ﷺ فرمود: «در اسلام، بنیادی که نزد خدا از ازدواج محبوب‌تر باشد وجود ندارد».^۱

همسرگزینی اصلی‌ترین خشتی است که در جهت بنای مبارک یک زندگی مشترک نهاده می‌شود. اگر به جایگاه خانواده در پیش‌رفت و تعالی و یا انحطاط و سقوط یک جامعه بیندیشیم، اهمیت بنا نهادن این خشت آشکار خواهد شد.

به راستی چرا در جامعه ما این اندازه ازدواج سخت است؟ چرا بسیاری از جوانان وقتی به ازدواج فکر می‌کنند، آن را سنگ بزرگی می‌بینند که نشانه نزدن است؟ پاسخ به این پرسش وقتی مهم‌تر می‌شود که با

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۳.



اندکی تحقیق در آیات قرآن و روایات خواهیم دید که چه اندازه ازدواج در این مکتب الهی، آسان و بدون دردسر است.

رادیو معارف نیز در راستای انجام وظیفه خویش در برابر نهاد خانواده، برنامه‌ای را به صورت ویژه به این موضوع اختصاص داده است. «پرسمان خانواده»^۱ با کارشناسی استاد عباسی که از برنامه‌های پرمخاطب این رادیو محسوب می‌شود، پرداختن به مسائل ازدواج را یکی از وظایف اصلی خود می‌داند؛ از همین رو قسمت قابل توجهی از این برنامه به پرسش‌های شنوندگان درباره این موضوع اختصاص یافته است.

نیمه دیگرم دارای نه بخش می‌باشد که یکی از بخش‌های اصلی آن بررسی موانع تسهیل در امر ازدواج است.

با توجه به طرح بحث سبک زندگی اسلامی از سوی مقام معظم رهبری و تأکید همیشگی ایشان نسبت به مسأله ازدواج آسان، سازمان اوقاف و امور خیریه نیز بر آن شد



۱. این برنامه با عنوان «پرسمان تربیتی خانواده» هم‌چنان ادامه داشته و هر هفته یکشنبه‌ها پخش می‌شود. در نیمه اول سال ساعت ۱۸ تا ۱۹ و در نیمه دوم سال ساعت ۱۶ تا ۱۷. تکرار برنامه هم دوشنبه‌ها صبح پس از پخش اخبار ساعت ده می‌باشد. رادیو معارف در موج FM ردیف ۹۷ در سراسر کشور قابل دسترسی است.

تا این بخش از کتاب نیمه دیگرم را با اندکی تلخیص به صورت گسترده در اختیار شما مردم عزیز قرار دهد. امید است با پیمودن مسیر نورانی قرآن و اهل بیت علیهم السلام بنای خانواده در جامعه ما قرین سلامت، استحکام و معنویت بوده و جوانان ما با تمسک به معارف جامع دینی در امر خطیر همسرگزینی موفق و پیروز باشند.

معاونت فرهنگی و اجتماعی
سازمان اوقاف و امور خیریه



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«از دواج آسان و موانع آن»

درآمد

در این که باید ازدواج، آسان انجام بگیرد تا هر کسی که زمان ازدواجش فرا رسیده بتواند به راحتی ازدواج کند، تردیدی نیست. حال باید دید چرا در جامعه ما ازدواج این اندازه دشوار شده و میانگین سن ازدواج هم بالا رفته است؟

دغدغه ازدواج آسان یکی از اصلی ترین مسائلی است که باید در تمام اقشار تأثیرگذار جامعه وجود داشته باشد. این مسئله از مسائلی نیست که با اقدام یک قشر بتوان بر آن جامعه عمل پوشاند. بالا رفتن سن ازدواج هم چیزی نیست که بتوان با تعارف از آن عبور کرد. فرهنگ ازدواج به هنگام چیزی است که همه ما باید در ایجاد آن قدم برداریم.

اسلام اصرار دارد بر این که این پدیده در آوان خود، هر چه زودتر، از آغاز احساس نیاز انجام گیرد. این هم از اختصاصات اسلام است، هر چه زودتر بهتر. زود که



می‌گوییم یعنی از همان وقتی که دختر و پسر احساس نیاز می‌کنند به داشتن همسر؛ هر چه این کار زودتر انجام بگیرد، بهتر است. علت چیست؟ علت این است که اولاً برکات و خیراتی که در امر ازدواج وجود دارد، در وقت خود و زودتر از این که زمان بگذرد و عمر تلف بشود، برای انسان حاصل خواهد شد. ثانیاً جلوی طغیان‌های جنسی را می‌گیرد؛ لذا می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ»^۱ طبق این روایت معلوم می‌شود که نصف تهدیدی که انسان دربارهٔ دین خود می‌بیند، از طرف طغیان‌های جنسی است که خیلی رقم بالایی است.^۲

به جهت اهمیت ویژه‌ای که این مسئله دارد، ما در این کتاب به اصلی‌ترین عواملی که امروزه در جامعهٔ ما موجب شده تا ازدواج جوانان به سختی انجام بگیرد، اشاره کرده‌ایم.

امید است به زودی با جامعهٔ عمل پوشاندن به معارف نورانی قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) جوانان ما در اولین فرصتی

۱. رسول خدا (علیه‌السلام) فرمود: «کسی که ازدواج کند، نصف دینش را احراز کرده است.» *الکافی*، ج ۵، ص ۳۲۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۱۲؛ *مطلع عشق*، ص ۱۳. تا چند سال پیش، مقام معظم رهبری در طول سال به مناسبت‌های مختلف خطبهٔ عقد برخی از جوانان را می‌خواندند. «مطلع عشق» حاوی بیانات ایشان در این جلسات است که به همت حجت الاسلام محمد جواد علی اکبری گردآوری شده است. مطالعهٔ این کتاب را به همهٔ جوانان توصیه می‌کنیم.

که نیاز به ازدواج را در خود احساس کرده و آماده
ازدواج شدند، بتوانند به راحتی به این سنت نبوی عمل
کرده و حصاری در اطراف دین خویش کشیده و آن را
از خطر انحرافات اخلاقی مصون بدارند.

محسن عباسی ولدی

حوزه علمیه قم

بهمن ۱۳۹۱؛ ربیع الاول ۱۴۳۴



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

موانع تسهیل در امر ازدواج

۱. طلاق‌های رو به افزایش

نباید موانع ازدواج دائم را تنها در مقوله اقتصادی خلاصه کرد. برخی گمان می‌کنند اگر بتوان مشکل اقتصادی را با وام و اشتغال برطرف نمود، مسئله ازدواج حل می‌شود. حالا که ما این بحث را شروع کردیم خوب است، خیلی ریشه‌ای به این بحث بپردازیم.

یکی از موانع اصلی ازدواج، طلاق‌های زیادی است که در جامعه ما متأسفانه در اندازه هشدار بالا رفته است.

بر اساس جدیدترین آمار و اطلاعات معاونت آمار و انفورماتیک ثبت احوال کل کشور، واقعه طلاق در سال ۸۸ نسبت به ۱۰ سال گذشته ۵۴ درصد رشد یافته است. پس از آن که مدیر سازمان جوانان استان تهران چندی پیش اعلام کرد که در شش ماهه نخست امسال در تهران ۵/۳ درصد کاهش ازدواج داشتیم و طلاق در یک رشد بی‌سابقه ۲۱ درصد افزایش یافته است. رئیس سازمان ثبت احوال استان



تهران با بیان این که واقعه ازدواج در سال گذشته یک درصد رشد پیدا کرده، گفته است: این در حالی است که پدیده طلاق طی این مدت ۱۶ درصد رشد داشته است. بر اساس آمار و اطلاعات سازمان ثبت احوال کشور، در سال ۱۳۷۸، ۵۷ هزار واقعه طلاق در کل کشور به ثبت رسیده که این آمار در سال ۸۸ به ۱۱۰ هزار واقعه افزایش یافته است.

همچنین در سال ۱۳۷۸، میانگین سن طلاق در مردان ۲۰ تا ۲۴ سال و در زنان ۱۵ تا ۱۹ سال بوده که در سال گذشته به ۲۵ تا ۲۹ سال در هر دو گروه زنان و مردان افزایش یافته که علت آن افزایش میانگین سن ازدواج در بین جوانان ایرانی است.

این آمار نشان می دهد که تا پایان بهمن ماه سال ۸۸، در هر ساعت ۱۴ واقعه و بدین ترتیب در یک شبانه روز ۳۴۱ طلاق در کل کشور به ثبت رسیده که بیش از ۹۷ هزار مورد از آن مربوط به مناطق شهری است.

نخستین هشدارهای رشد نرخ طلاق، به شهریورماه برمی گشت. زمانی که رئیس سازمان ملی جوانان استان تهران خبر از رشد ۲۱ درصدی طلاق در استان تهران در شش ماهه نخست سال ۸۸ داد. اندکی بعد، معاون مرکز اطلاعات و آمار زنان، میانگین نسبت طلاق به ازدواج در کشور در شش ماهه نخست سال جاری را ۲۴/۱۳ درصد اعلام نمود.



انتشار آمار طلاق مربوط به نُه ماهه نخست سال ۸۸، باعث شد تا نگرانی‌ها دوباره به افکار عمومی باز گردد. سازمان ثبت احوال، از ثبت قریب به ۹۳ هزار طلاق در ۹ ماهه نخست خبر داد. آماري بیش‌تر از آمار ۱۲ ماهه ۸۵ و ۸۴ و با اختلافی کم نسبت به آمار ۱۰۰ هزار طلاق ۱۲ ماهه ۸۶ این آمار خبر از رشد سریع نرخ طلاق در ایران می‌داد.^۱

بالا و پایین بودن آمار طلاق در هر جامعه‌ای نشان از میزان استحکام و تزلزل بنیان خانواده در آن جامعه دارد. فرض کنید شما می‌خواهید در منطقه‌ای خانه بسازید که تاریخ آن منطقه به شما می‌گوید زلزله‌های زیادی در این منطقه آمده و خانه‌های زیادی را ویران کرده است. این آگاهی، ترسی برای شما تولید می‌کند که اجازه نمی‌دهد با خیالی آسوده به ساختن خانه پردازید. وقتی جوان به آمار طلاق چه از نوع رسمی و چه از نوع عاطفی^۲ آن نگاه می‌کند، به صورت طبیعی ترس از ازدواج در او شکل می‌گیرد که خود، مانع بزرگی بر سر راه ازدواج است. اگر ما بخواهیم ازدواج را آسان کنیم، باید انگیزه ازدواج را زیاد کنیم. یکی از کارهای اصلی در این مسیر از بین بردن ترس روانی موجود در میان جوانان است.

۱. پایگاه اطلاع رسانی خبر آنلاین، ۱۳۸۹/۲/۷.

۲. آمار طلاق عاطفی در ایران دو برابر طلاق رسمی است. خبرگزاری

بین‌المللی زنان و خانواده، ۹۰/۱۱/۲۶.



چرا طلاق؟

اگر دلیل رشد آمار برای جوانان مشخص شود و راه رهایی از آن معلوم گردد، می‌توان بر ترس از طلاق غلبه کرد. از همین رو به صورت گذرا به دو دلیل اصلی از دلایل افزایش طلاق در جامعه اشاره کنیم:

الف) انتخاب نادرست

همان طور که در ابتدای این مجموعه بیان شد،^۱ تعداد قابل توجهی از طلاق‌ها، ریشه در انتخاب ناصحیح دارد. باید جوانان پیش از ازدواج با مهارت‌های انتخاب همسر آشنا شوند تا بتوانند پیش از ازدواج به اختلافات و اشتراکات اعتقادی و اخلاقی خود با گزینه مورد نظر خویش پی ببرند.

ب) ناآشنایی با قواعد زندگی مشترک

زندگی قواعدی دارد که باید آن‌ها را آموخت. این قواعد را باید پیش از ازدواج یاد گرفت. امروزه اوضاع فرهنگ زندگی مشترک در جامعه ما چندان مناسب نیست. ما در کجای مسیر آموزشی خودمان توانسته‌ایم به این مهم پردازیم؟ واقعاً در کجای نظام آموزشی ما برنامه‌ای هدفمند و کاربردی در این باره وجود دارد؟ وقتی در بسیاری از طلاق‌ها به دنبال عامل اصلی می‌گردیم، به



۱. بخش اول، هفت نکته کلیدی درباره انتخاب همسر.

همین عامل؛ یعنی ناآشنایی با قواعد زندگی مشترک برمی‌خوریم. روند تربیتی در جامعه ما به گونه‌ای است که سوادها به همراه سن‌ها بالا می‌رود؛ ولی سرعت رشد فهم از زندگی مشترک و تعاملات اجتماعی و هم چنین اخلاق زندگی به هیچ وجه با رشد سواد و سن تناسب ندارد. مشاوران محترمی که هر روز با مشکلات خانواده‌ها دست و پنجه نرم می‌کنند، حرف مرا خوب می‌فهمند. دختر و پسر ما ازدواج کرده؛ اما نمی‌داند با جنس مخالف خود به عنوان همسر چگونه باید برخورد کند؛ هنوز از عهده مدیریت اختلافات خود با همسرش بر نمی‌آید؛ شیوه ابراز محبت به همسرش را بلد نیست. بی‌پرده باید گفت که حتی در قشر تحصیل کرده هم به وفور این مشکل را می‌بینیم. ما اگر فقط سن ازدواج را پایین بیاوریم؛ بدون این که جوانانمان آماده زندگی مشترک باشند، خدمت چندانی به جامعه نکرده‌ایم.

ازدواج دائم پاسخ‌گوی نیاز غریزی هم هست؛ اما تنها فلسفه ازدواج دائم این نیست. با ازدواج دائم خانواده‌ای تشکیل می‌شود که زن و مرد، نیمه گم‌شده خود را در این کانون مقدس می‌یابند و می‌توانند به کمک هم مسیر تعالی و رشد را طی کرده و زمینه‌ای برای پرورش فرزندان صالح فراهم کنند. رسیدن به این مقصد بدون فهم و به کارگیری قواعد زندگی مشترک ممکن نیست.



۲. تربیت ناقص

یکی دیگر از موانع تسهیل در امر ازدواج تربیت ناقص است. ما در شیوه تربیتی خود باید تجدید نظر کنیم. تربیت درست آن است که فرزند ما همراه با بلوغ جنسی آرام آرام آماده اداره یک زندگی شود. ما در همین سه چهار دهه گذشته می بینیم دخترها در سنین پانزده شانزده سالگی ازدواج می کردند و از عهده اداره یک زندگی هم برمی آمدند. نسل بشر در این چند دهه تغییر چندانی نکرده است؛ آن چه تغییر کرده نوع تربیت است. دختران در آن زمان تنها به فکر درس خواندن نبودند؛ بلکه در آستانه بلوغ به صورت رسمی بازوی مادر در خانه بودند و حتی دختران بزرگ تر در نگهداری بچه ها و تر و خشک کردن آن ها به مادر کمک می کردند. پسران حداکثر در آستانه بلوغ آرام آرام به دنبال کار می رفتند و به ویژه تابستان ها به



صورت جدی کار می‌کردند. وقتی هم که از سربازی برمی‌گشتند کاملاً مستقل زندگی می‌کردند. از اساتید دانشگاه که سنی از آنان گذشته پرسید تا به شما بگویند بسیاری از این‌ها در حالی تحصیل می‌کردند که بدون اتکا به خانواده سرِ کار هم می‌رفتند و زندگی‌شان را با درآمد خود اداره می‌کردند. این طور نبود که کار کردن مانع درس خواندنشان باشد؛ اما الآن بسیاری از پدران و مادران به اسم دل‌سوزی اجازهٔ بزرگ شدن را به بچه‌ها نمی‌دهند. بنده نمی‌گویم نباید از فرزندان حمایت کرد؛ اما نباید حمایت والدین مانع بزرگ شدن فرزندان شود؛ بلکه باید این حمایت زمینه را برای آموزش مهارت‌ها و تجربیات فراهم کند.



۳. از بین رفتن نگاه مقدّس به ازدواج

دین به ازدواج به عنوان یک امر مقدّس نگاه می‌کند. وقتی جنبه قدسی ازدواج فراموش شد، بسیاری از موانع دیگر که درباره‌اش سخن خواهیم گفت به وجود می‌آید. این امر اختصاص به ازدواج ندارد. مسائل مقدّس دیگر نیز همین گونه است؛ مثلاً عزاداری امام حسین علیه السلام را در نظر بگیرید که در اوج تقدّس است. اگر جنبه قدسی این امر عظیم فراموش شود، ممکن است دو هیئتی که عهده‌دار این امر مقدّس هستند، دچار آسیب‌هایی شوند که از اصل عزاداری غافل بمانند؛ مثل این که دچار رقابت شوند. بسیاری از آسیب‌هایی که متوجّه ازدواج شده و آن را به تأخیر انداخته، به جهت فراموش کردن همین امر است. تقدّس و خدایی بودن ازدواج در آیات و روایات به صراحت آمده است. معروف‌ترین آیه درباره ازدواج آیه‌ای است که می‌فرماید:

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ

جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛
و از نشانه‌های او این که از [نوع] خودتان همسرانی برای
شما آفرید تا بدان‌ها آرام‌گیرید، و میانتان دوستی و رحمت
نهاد. آری، در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً
نشانه‌هایی است.^۱

طبق این آیه زوجیتی که خداوند میان زن و مرد برقرار
کرده، مودت و رحمتی که در میان این دو نهاده و آرامشی
که در نتیجه این زوجیت به دست می‌آید از آیات الهی
است که شایسته‌اندیشیدن است.

آرامشی که محصول ازدواج می‌باشد، سرمایه‌ای برای
رسیدن به رشد و کمال انسانی است که فلسفه‌آفرینش ما
است. خداوند درباره‌ی نتیجه‌ی سکونت و آرامش می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَّعَ
إِيمَانِهِمْ؛ او است آن کس که در دل‌های مؤمنان آرامش را
فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خود بیفزایند.^۲

روایات هم نسبت به جنبه‌ی قدسی ازدواج تأکید ویژه
دارند. دعبل از امام علی بن موسی الرضا علیه السلام نقل کرد که
فرمود:

زنی به امام باقر علیه السلام فرمود: من از دنیا بریده‌ام.

۱. سوره روم: ۳۰، آیه ۲۱.

۲. سوره فتح: ۴۸، آیه ۴.



حضرت فرمود: بریدن از دنیا در نزد تو چه معنایی دارد؟
 زن گفت: من هیچ گاه تصمیم به ازدواج ندارم.
 حضرت فرمود: به چه علت؟
 زن گفت: با این کار به دنبال فضیلت هستم.
 حضرت فرمود: از این کار منصرف شو. اگر در این کار
 فضیلتی بود، فاطمه علیها السلام به آن شایسته تر بود که کسی از
 ایشان در فضیلت پیشی نگرفته است.^۱

روایت معروف نبوی را نیز همه شنیده ایم که فرمود:
 «ازدواج، سنّت من است؛ هر کس از سنّت من روی
 گرداند، از من نیست».^۲

دین با خارج شدن امر ازدواج از حالت تقدّس و
 تبدیل شدن آن به صحنه‌ای برای رقابت به شدّت مخالفت
 کرده و نتایج ناگواری را برای آن برشمرده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که زنی را به حلال و از مال حلال به ازدواج خود در
 بیاورد؛ در حالی که مقصود او از این ازدواج فخر فروشی و
 خودنمایی است، خداوند به وسیله این ازدواج جز بر ذلّت و
 خواری او نخواهد افزود و در قیامت به اندازه بهره‌ او از این
 زن، وی را بر لبه جهنم نگاه خواهد داشت...^۳



۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۹.

۲. همان، ص ۲۲۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۵۲.

وقتی جنبهٔ قدسی ازدواج فراموش شد، مشکلاتی پیش
می‌آید که در آینده درباره‌اش سخن خواهیم گفت.



۴. ملاک‌های غیرمنطقی

ملاک‌های ظاهری در حال حاضر تأثیر ویژه و تعیین کننده‌ای در ازدواج دارد. گاهی این ملاک‌ها بر معیارهای حقیقی غلبه می‌کند. یکی از دلایل اصلی این وضعیت فراموش شدن جنبهٔ قدسی ازدواج است. وقتی ملاک‌های غیرمنطقی مدیریت تصمیم‌گیری در امر را به دست گرفت، یکی از نتایج آن سخت شدن ازدواج است.

در این جا به برخی از ملاک‌های اشتباه در ازدواج اشاره می‌کنیم؛ ملاک‌هایی که اگر از سر راه ازدواج برداشته شود، ازدواج به مراتب آسان‌تر از آنچه هست خواهد شد.

الف) قیافه

اگر هدف ازدواج را فراموش نکنیم، جایگاه قیافه را در



انتخاب همسر درک خواهیم کرد.^۱ هدف از ازدواج، انتخاب همسری است که با هم در ادامهٔ زندگی، مسیر بندگی و عبودیت را طی کنیم و از دو روزهٔ دنیا توشه‌ای برای آخرت جمع کنیم. لازمهٔ رسیدن به این هدف کفویت است که دربارهٔ آن صحبت کردیم. اگر کفویت باشد، محبت هم تولید می‌شود و اگر محبت ایجاد شد، قیافهٔ محبوب در نظر انسان، دوست داشتنی و دل‌نشین خواهد شد. اگر کفویت نبود، قیافه هر اندازه هم که زیبا باشد، برای انسان خسته کننده خواهد شد.

امام صادق علیه السلام فرمود:

اگر مردی به خاطر زیبایی و مال زنی با او ازدواج کند، خداوند او را به همان مال و جمال زن واگذار می‌کند. اگر هم به خاطر دین زن با او ازدواج کند، خداوند جمال و مال را روزی می‌کند.^۲

مقام معظم رهبری هم در جمع جوانانی که برای خواندن خطبهٔ عقد خدمت ایشان رسیده بودند فرمود:

اگر چنانچه کسی به خاطر مال و جمال ازدواج کند، طبق روایت ممکن است خدای متعال مال و جمال را به او بدهد و ممکن هم هست به او ندهد؛ اما اگر چنانچه برای تقوا و

۱. در بحث «کفویت در قیافه» به تفصیل در این باره سخن گفته‌ایم.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.



عفاف قدم بگذارد و ازدواج بکند، خدای متعال به او مال هم خواهد داد، جمال هم خواهد داد. ممکن است کسی بگوید جمال که اعطا کردنی نیست؛ یک کسی یا جمال دارد یا ندارد! معنایش این است که چون جمال در چشم شما و در دل شما و در نگاه شما است، اگر انسان کسی را که خیلی جمیل هم نباشد، دوست داشت، او را جمیل می‌بیند. وقتی کسی را دوست نداشت، هر چقدر هم که جمیل باشد، به نظر او جمیل نمی‌آید.^۱

ب) تناسب اقتصادی خانواده‌ها

بسیاری از مردم معتقدند که دو خانواده باید از نظر اقتصادی تناسب داشته باشند. اگر بخواهیم از منظر دین این معیار را بررسی کنیم، باید گفت نه در آیات و روایات و نه در سیره معصومین علیهم‌السلام نمی‌توانیم دلیلی برای این قاعده کلی به دست بیاوریم. به صراحت در روایات در نظر گرفتن این معیار را رد کرده‌اند.

امام رضا علیه‌السلام فرمود:

اگر مردی نزد تو به خواستگاری آمد و دین و اخلاق او را پسندیدی به وی زن بده و فقر و ناداری اش مانع تو از این کار نشود.^۲



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳/۱۰/۱۳۷۷؛ مطلع عشق، ص ۱۷.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۷۲.

امام صادق علیه السلام فرمود:

برای بنده گناهی بدتر از این نیست که پسر برادر [دینی] او
نزدش برود و بگوید: مرا به ازدواج [دخترت] دریاور و او
بگوید: این کار را نمی‌کنم، من از تو ثروتمندترم.^۱

برخی از خواستگارها قبل از بررسی قیافه دختر، شکل
و روی خانه را ورنده می‌کنند. این نگاه، خانواده‌های
دختران را به دردسر انداخته است. برخی از این‌ها اگر از
نظر مالی در تنگنا بوده و نتوانند به ظاهر خانه برسند، هیچ
خواستگاری را به خانه راه نمی‌دهند.

اگر در و دیوار خانه‌ای بیست سال پیش یا ده سال
پیش نقاشی شده و حالا خانه از رنگ و لعاب افتاده، آیا
نشانه آن است که این خانواده شایسته وصلت نیست؟ این
مسئله را کدام عقل سالمی می‌پذیرد که نقاشی کهنه شده
در و دیوار، ذره‌ای در خوش‌بختی و بدبختی پسر و دختر
اثر دارد؟

برخی روی محله‌ای که خانواده دختر یا پسر زندگی
می‌کنند حساسیت افراطی دارند. عبارات این چینی را کم
نمی‌شنویم که فلانی اهل پایین شهر است و به درد ما
نمی‌خورد. معلوم نیست پایین شهری و بالا شهری بودن چه

۱. مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۰۵.



دخالتی در خوش بختی و بدبختی انسان‌ها دارد. کاش یکی

پیدا می‌شد و این معما را حل می‌کرد!

امام صادق علیه السلام فرمود:

امام سجّاد علیه السلام با کنیزی که از آن امام حسن علیه السلام بود ازدواج

کرد. این خبر به گوش عبدالملک بن مروان رسید. در

نامه‌ای به حضرت نوشت که: تو شوهر کنیزان گشته‌ای!

امام سجّاد علیه السلام در پاسخ نوشت: همانا خداوند به وسیله

اسلام، پستی را بلندی بخشیده و ناقص را کامل گردانیده و

از فرومایگی، به ارجمندی رسانده است. بنا بر این هیچ

مسلمانی پست نیست؛ بلکه پستی واقعی، پستی جاهلیت

است. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله خود بنده‌اش را [از قوم خود] زن داد و

با کنیزش ازدواج کرد.^۱

برخی برای توجیه در نظر گرفتن چنین معیاری می‌گویند:

«دو طرف باید از نظر اقتصادی با هم تناسب داشته باشند تا

بتوانند از عهدهٔ توقّعات هم برآیند». اگر بنا است دو طرف به

جای در نظر گرفتن آنچه خدا راضی است، به خواسته‌های

خودشان دست پیدا کنند و خرج کردن‌های آن‌چنانی را هم

یکی از اصلی‌ترین معیارهای خوش بختی فرزندان بدانند،

حتماً باید با خانواده‌ای وصلت کنند که بتواند این توقّع را

برآورده کند.



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

ج) شغل پدر

خدا نکند پدر دختر یا پسری شغلی داشته باشد که در جامعه نسبت به آن نگاه مناسبی وجود نداشته باشد. شغل پدر برای برخی از افراد به قدری اهمیت دارد که این دختر و پسر در هر درجه‌ای از خوبی هم که باشد دیگر به سراغش نمی‌روند. این مسئله با کدام یک از معیارهای دینی سازگار است؟ مگر ملاک خوب و بد بودن انسان‌ها شغل آن‌ها است؟ خداوند متعال در قرآن کریم یک ملاک برای سنجش انسان‌ها داده و بس؛ آن جا که فرمود:

إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ هر آینه گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست.^۱

این که پدر یک دختر یا پسر، آبدارچی فلان شرکت است، نشانه بدبخت شدن داماد و عروس این پدر است؟ حالا اگر پدر این دختر یا پسر، رئیس همین شرکت شد، نشان از خوش‌بختی داماد و عروس او دارد؟ این‌ها چه ربطی به هم دارد؟ پدر باید شغلی داشته باشد که دو لقمه نان حلال بر سر سفره زن و بچه‌اش بگذارد. چه بسا کسی که با تحصیلات عالی و شغل آن چنانی، لقمه حلال بر سر سفره خانواده نمی‌گذارد. پدر باید فهم داشته باشد، جوانش را بفهمد و درک کند، به اندازه‌ای که برای

۱. سوره حجرات: ۴۹، آیه ۱۳.

جوانش لازم است به او استقلال بدهد، با فرزندان و عروس و دامادش رابطهٔ رفاقتی داشته باشد؛ خواه استاد دانشگاه باشد و یا آبدارچی یک شرکت. اگر پدر تحصیلات عالی داشت و شغل آن‌چنانی؛ اما جوانش را درک نمی‌کرد و به جای او فکر می‌کرد و به جای او هم تصمیم می‌گرفت چه فایده‌ای دارد؟ این تحصیلات عالی و این شغل آن‌چنانی کجای زندگی داماد و عروس این پدر را می‌گیرد؟ البته با این حرف‌ها قصد کوبیدن کسانی که تحصیلات عالی و شغل‌های بالادستی دارند را نداریم، نمی‌گوییم حتماً به سراغ کسی بروید که پدرش بی‌سواد است و شغل سطح پایینی دارد؛ می‌گوییم این نگاه اشتباه را از شغل پدر بردارید. دربارهٔ شغل پدر به همین اندازه حساس باشید که نان حلال بر سر سفرهٔ خانواده بگذارد. یک تار موی آن رفتگر و کارگری که با عرق جبین به دنبال یک لقمه نان حلال است، به هزاران انسانی که دغدغهٔ نان حلال ندارند می‌ارزد؛ در هر رتبه و جایگاهی که می‌خواهند باشند.

د) شغل ثابت داشتن

ما می‌خواهیم ازدواج تسهیل شود. وقتی از تسهیل ازدواج حرف می‌زنیم، به صورت طبیعی سخن از سن ازدواج هم به میان می‌آید. نتیجهٔ تسهیل ازدواج پایین آمدن سن ازدواج



است. پایین بودن سن ازدواج لوازمی دارد که یکی از آنها بحث شغل است. ما وقتی به یک پسر بیست ساله می‌گوییم ازدواج کن، باید بدانیم این جوان در حال درس خواندن است، پس شغل ثابتی ندارد. حالا اگر داشتن یک شغل ثابت را معیار ازدواج بدانیم، دیگر نمی‌توانیم سن ازدواج را از بیست و پنج و شش سال پایین‌تر بیاوریم. یک جوان اگر پشت در دانشگاه معطل نشده باشد، به صورت طبیعی در سن هجده سالگی وارد دانشگاه می‌شود. اگر بخواهد تنها به کارشناسی بسنده کند، در حدود سن بیست و دو سالگی از دانشگاه فارغ التحصیل می‌شود؛ اما از آنجایی که سربازی نرفته به این راحتی نمی‌تواند وارد بازار کار شود؛ پس باید به سربازی هم برود. سربازی با مقدمات و مؤخراتش هم دو سال طول می‌کشد. پس وقتی این جوان از سربازی برمی‌گردد حداقل بیست و چهار سال دارد. تا بتواند جایی را برای کار کردن بیابد هم به طور متوسط یک سال طول می‌کشد که می‌شود بیست و پنج سال. این حداقل است. حالا اگر بخواهد کارشناسی ارشد هم بخواند باید حدود سه سال به این سن اضافه کرد؛ یعنی بیست و هشت سال. بسیاری از دانشجویان ما به کارشناسی بسنده نمی‌کنند و تا جایی که امکان داشته باشد در کارشناسی ارشد هم شرکت می‌کنند. برخی از این‌ها که تعدادشان هم کم نیست،



کارشناسی را به مدت پنج سال طول می‌دهند تا بتوانند در ترم‌های آخر بدون این که مشکل نظام وظیفه پیدا کنند، با خیالی آسوده برای کارشناسی ارشد هم درس بخوانند. با این حساب یک سال دیگر هم اضافه می‌شود؛ یعنی بیست و نه سال. این حساب و کتابی که شد، واقعیت جامعه ما است؛ نه یک حساب و کتاب ذهنی؛ از این حساب و کتاب ساده می‌توان نتیجه گرفت تا وقتی که ما شغل را یک عنصر اساسی در انتخاب بدانیم، نمی‌توانیم سن ازدواج را پایین بیاوریم.

اما برای حل این مسئله چه باید کرد؟

۱. کار خانواده‌ها

پدران باید پشتیبان فرزندان‌شان باشند. اگر بخواهیم واقع‌بینانه این مسئله را حل کنیم، نباید پای خود را از میدان بیرون کنیم. بسیاری از پدران و مادران می‌توانند تا مدتی عهده‌دار هزینه زندگی فرزندان‌شان باشند. چه اشکالی دارد پدر و مادر دختر و پسر با یکدیگر همکاری داشته باشند تا جوانان‌شان بتوانند ازدواج کنند؟

اگر فقر و ناداری را مانع ازدواج قرار دهیم، طبق نص صریح روایات جامعه دچار فساد بزرگی خواهد شد.

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر گاه کسی که اخلاق و دینش را می‌پسندید به



خواستگاری نزد شما آمد، به او زن بدهید که: «اگر چنین نکنید فتنه و فساد بزرگی پدید آید.»^۱

فراموش نکنیم که تزویج فرزندان از حقوق آنها بر عهده پدر است. رسول خدا ﷺ فرمود:

از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: نام نیکو بر او بنهد، به او سواد بیاموزد و هنگامی که بالغ شد، او را همسر دهد.^۲

اگر فرزند ما در دوران سربازی یا دانشجویی احساس نیاز به ازدواج نمود، می‌توان با پذیرش عقد طولانی مدت زمینه ازدواج او را فراهم کرد. این هم کار دیگری است که باید خانواده‌ها بپذیرند و سخت‌گیری نکنند.

۲. کار پسران

روحیه کاری خود را در درجه اول به خانواده خود و درجه دوم به خانواده دختر ثابت کنید. منتظر نباشید دوران دانشجویی و سربازی تمام شود و یک کار ثابت پیدا کنید تا دستتان در جیب خودتان برود. از وقتتان نهایت استفاده را بکنید. سعی کنید هر طور شده در همین دوران دانشجویی پول به دست بیاورید. کار را عار ندانید. به خدا هم اعتماد کنید. به کسی جز خدا امید نبندید. درست است که ما در

۱. سوره انفال: ۸، آیه ۷۳.

۲. تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۳۹۶.

۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۴۸۲.



توصیه‌هایمان از افراد مختلف جامعه مطالباتی داریم؛ ولی شما امیدتان به خدا باشد که فرمود:

وَ أَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ
إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛
مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، هم‌چنین غلامان
و کنیزان صالح و درستکاران را اگر فقیر و تنگدست
باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد خداوند
گشایش‌دهنده و آگاه است!^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که ازدواج را از ترس فقر ترک کند، به خداوند
سوءظن پیدا کرده است؛ زیرا خداوند عزّ و جلّ فرمود: «اگر
فقیر باشید، خداوند آن‌ها را از فضل خود بی‌نیاز می‌کند».^۲ با
زنان ازدواج کنید که آن‌ها با خود مال می‌آورند.^۳

از نگاه معارف دینی، رزق و روزی انسان با ازدواج
توسعه می‌یابد. توجه به این نکته باید زاویه دید ما را به
بحث اقتصاد در ازدواج به کلی تغییر دهد.

اسحاق بن عمار می‌گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم آیا
روایتی که مردم نقل می‌کنند حق است که مردی خدمت



۱. سورة نور: ۲۴، آیه ۳۲.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۰.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۱۹۶.

رسول خدا ﷺ رسید و از فقر شکایت نمود. حضرت او را به ازدواج امر کرد. مرد رفت و دوباره آمد و باز هم از فقر شکایت کرد. باز هم حضرت او را به ازدواج امر کرد. این جریان سه بار تکرار شد.

امام صادق علیه السلام فرمود: بله. سپس در ادامه فرمود: رزق با زن و خانواده است.^۱

۳. کار دختران

دختران هم باید توقعات مادی خود را از پسرانی که هنوز مشغول تحصیل بوده و شغل ثابتی ندارند، متناسب با شرایط آنها تنظیم کنند. به طور حتم پسری که در کنار درس خواندن کار می‌کند، نمی‌تواند زندگی آن‌چنانی را برای دختر فراهم کند. اگر چه روحیه قناعت؛ حتی در شرایط رفاه مادی هم در ما باید وجود داشته باشد؛ اما وقتی که اوضاع اقتصادی مرد، ثبات لازم را ندارد، بیش از زمان‌های دیگر باید این روحیه را در خویش تقویت کرد. دختری که بیست سال دارد و یکی از معیارهایش هم این است که همسرش با او بیش از دو سه سال تفاوت سنی نداشته باشد، نمی‌تواند بگوید همسرم حتماً باید شغل ثابتی داشته و از نظر مالی در سطح بالایی باشد؛ زیرا این معیار با واقعیتی که بنده از جامعه ترسیم کردم تناسب ندارد.



گاهی والدین یا خود دختران می‌گویند پدر پیش از ازدواج خیلی به دختر رسیدگی مادی کرده؛ در نتیجه زندگی دختر پس از ادواج نباید پایین‌تر از زندگی در خانه پدر باشد.

در پاسخ باید گفت: ممکن است در آغاز زندگی مشترک مشکلات مادی وجود داشته باشد؛ اما خوبی‌ها و فواید ازدواج و هدف اصلی آن را فراموش نکنید. ازدواج دختران با این نیت که به وضعیت رفاهی بهتری نسبت به خانه پدر دست یابند، محدود کردن معنا و هدف ازدواج می‌باشد.

۴. کار مردم

مردم هم نباید بی‌کار بنشینند. کسانی که توانایی مالی دارند، باید فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان را یک کار خیر دانسته و برای آن هزینه کنند. فقط ساختن مسجد و مدرسه، کار خیر نیست؛ کمک کردن به دو جوان برای این که زودتر با هم ازدواج کنند و از این راه، دین خود را حفظ کنند، کار بسیار بزرگی است که اهل بیت علیهم‌السلام هم آن را انجام می‌دادند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

مردی به محضر پدرم شرف یاب شد. پدرم به او فرمود: آیا

همسر داری؟

مرد گفت: نه.



پدرم فرمود: دوست ندارم که دنیا و هر چه در آن است برای من باشد؛ در حالی که شبی را بی همسر طی کنم.

سپس ادامه داد: دو رکعت نمازی که مرد متأهل می خواند، برتر از آن است که مردی مجرد شب زنده داری کند و روزها را روزه بگیرد.

پس از آن پدرم هفت دینار به او داد و فرمود: با این پول برو و ازدواج کن.

پدرم به آن مرد فرمود: رسول خدا ﷺ فرمود: ازدواج کنید که این کار روزی بیش تری را برایتان جلب می کند.^۱

کسانی هم که توانایی مالی ندارند؛ اما مردم برایشان احترام قائلند، باید از جایگاه خود استفاده کنند و در معرفی افرادی که کفو هم هستند کوشا باشند.

۵. کار دولت

دولت هم برای حلّ این مشکل باید به صورت جدی و با برنامه تعریف شده وارد عمل شود؛ مثلاً برای دانشجویان یا سربازان متأهل تسهیلات خاصی را در نظر می گرفت. به عنوان نمونه در دانشگاه‌ها کارهای خاصی را به دانشجویان به عنوان کار دانشجویی می دهند. چه خوب است اولاً اولویت در این نوع کارها با دانشجویان متأهل باشد و ثانیاً مقدار مزدی که در برابر این کارها پرداخت می شود، کمی

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۱۷.



واقع‌بینانه‌تر از مقداری باشد که هم‌اکنون پرداخت می‌شود. دولت نباید کار خود را تنها در دادن وام ازدواج به جوانان خلاصه کند. نگاه این چنینی به تسهیل امر ازدواج، واقع‌بینانه نیست. پولی که به عنوان وام ازدواج به جوان داده می‌شود، حداکثر برای مقدمات ورود به زندگی کافی است؛ در حالی که جوان در ادامه زندگی تا وقتی که بتواند روی پای خود بایستد، نیازمند به پشتیبانی است.

به هر حال همه باید در این مسیر تلاش کرده و نقش خود را به خوبی ایفا نماییم تا تأمین مسائل اقتصادی زندگی، این اندازه غول بی‌شاخ و دم وحشت‌ناکی نشود که جوان جرأت نزدیک شدن به آن را نداشته باشد.

جوان‌ها وقتی صحبت می‌شود، می‌گویند اگر ازدواج کنیم بعدش چه کار کنیم برای خانه، برای شغل؟ این‌ها همان قیودی است که جلوی کارهای اصلی و اساسی را می‌گیرد. فرمود: ﴿إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾ یعنی خدای متعال این‌ها را کفایت خواهد کرد. ازدواج بکنید. ازدواج در وضع معیشت آن‌ها دشواری خاصی به وجود نمی‌آورد؛ بلکه به عکس خداوند آن‌ها را از فضلش غنی هم می‌کند. این را خدای متعال فرموده است. بله، ما برای خودمان به قول معروف به جای خرج، برج درست می‌کنیم. اضافه‌های زندگی و نیازهای کاذب به وجود می‌آوریم. بله، البته مشکل پیش می‌آید. تقصیر کیست؟ در درجه اول تقصیر



متمکن است. آن کسانی که امکانات دارند، سطوح را بالا می‌برند، سطوح خواهش‌ها و توقّعات و نیازهای کاذب را بالا می‌برند. بعد هم تقصیر بعضی از مسئولین است که بالأخره باید بگویند. باید وسایل را فراهم کنند، فراهم نمی‌کنند. نمی‌خواهیم بگوئیم دولت‌ها برای جوان‌ها و برای ازدواجشان وظایفی ندارند؛ اما این باید برای جامعه اسلامی جا بیفتد که ازدواج یک ضرورت است، باید انجام بگیرد. باید تحقّق پیدا کند.

این که دخترها بگویند ما هنوز آماده ازدواج نشده‌ایم، پسرها بگویند ما هنوز عقل زندگی نداریم، حرف‌های منطقی آن چنانی نیست. در خیلی از مسائل زندگی، ما می‌بینیم که نه، جوان‌ها آمادگی هم دارند، خیلی هم خوبند. می‌فهمند. منتهی این ازدواج یک مسئولیت‌پذیری هم هست. این حسّ گریز از مسؤولیت، مقداری مانع می‌شود از این که این کار انجام بگیرد.^۱

ه) تناسب تحصیلی

تحصیلات هم یکی از موانع جدّی در مسیر تسهیل ازدواج محسوب می‌شود. اگر بنا باشد که همه جوان‌ها تناسب تحصیلی را یکی از ملاک‌های اصلی برای ازدواج بدانند، کار ازدواج به شدّت سخت خواهد شد. با نگاهی واقع بینانه به جامعه خواهید دید حسّاسیت

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۶/۲۸؛ مطلع عشق، ص ۱۱۸.

نسبت به این معیار چه اندازه در سخت شدن ازدواج مؤثر است.

از سویی با توجه به آنچه آمار می‌گوید، در چند سال اخیر همیشه اکثریت ورودی‌های دانشگاه‌ها با دختران بوده است.

از سویی دیگر وقتی ما سخن از تسهیل در امر ازدواج می‌گوییم، می‌خواهیم سن ازدواج را پایین بیاوریم. با توجه به این که دختران زودتر از پسران به سن ازدواج می‌رسند، بدون تردید سن مطلوب برای ازدواج آنان همان سن تحصیل در دانشگاه است.

حال اگر بنا باشد که هر دختر تحصیل کرده‌ای با پسری که حداقل در همان اندازه تحصیلات دارد، ازدواج کند به راحتی می‌توان نتیجه گرفت که بسیاری از دختران نمی‌توانند ازدواج کنند. از طرف دیگر هم پسران در ازدواج دچار مشکل می‌شوند.

اما یک سؤال: آیا تناسب تحصیلاتی این اندازه که در خانواده‌ها بر روی آن تأکید می‌شود، اهمیت دارد؟ پاسخ این پرسش را در بحث کفویت تحصیلی بخوانید.

(و) وسواس در سلامت جسمانی

یکی دیگر از ملاک‌هایی که مانع تسهیل در امر ازدواج است، حساسیت افراطی روی سلامت جسمانی طرف



مقابل است. نداشتن سلامت جسمانی را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد: اول آن که طرف مقابل به اندازه‌ای از سلامت جسمانی محروم است که همه کارهای او و یا برخی را باید همسرش انجام دهد یا این که بیماری ژنتیکی است که به صورت ارثی قابل انتقال به فرزند است؛ اما گاهی این گونه نیست؛ یعنی اگر چه طرف مقابل از سلامت جسمانی محروم است؛ اما همه کارهای خود را خودش انجام می‌دهد و موروثی هم نیست. مگر ازدواج با این فرد چه اشکالی دارد؟



جوان دانشجویی از دوستانم می‌خواست ازدواج کند. او از ناحیه پا معلول بود و با عصا راه می‌رفت؛ اما همه کارها را خودش انجام می‌داد و حتی کوچک‌ترین کارش را هم به دیگری واگذار نمی‌کرد. این جوان به قدری اعتماد به نفس داشت که حتی با جوانان سالمی که بدون عصا راه می‌رفتند، به کوه می‌رفت و از برخی از آن‌ها هم جلو می‌زد. متدین، با خدا، خوش اخلاق و مهربان بود. در فعالیت‌های فرهنگی هم پیش تاز بود که نشان از دردمند بودن او نسبت به مسائل اجتماعی داشت. بنده این فرد را به چند نفر معرفی کردم؛ هیچ کدام نتوانستند از ایشان عیبی بگیرند، جز معلول بودنش.

حالا من از شما می‌پرسم که آیا معلول بودن این جوان دلیل خوبی برای رد کردن او است؟ چرا باید یک دختر به

این جوان جواب منفی بدهد؛ در حالی که در کارهایش وابستگی اندکی به دیگران ندارد و حتی بیش از برخی از انسان‌های سالم فعالیت دارد؟^۱

(ز) کثرت ملاک‌ها

برخی به قدری ملاک‌های متعدّد دارند که پیدا کردن کسی که همه آن ملاک‌ها را داشته باشد، واقعاً سخت است. این‌ها فراموش کرده‌اند که می‌خواهند از میان انسان‌های موجود، فردی را به عنوان همسر انتخاب کنند. معیارها را نباید خیلی ایده‌آل گرفت. باید آن‌ها را واقعی انتخاب کرد؛ نه چندان ایده‌آل معنوی و نه چندان ایده‌آل مادی.^۲



۱. تقسیم بندی سلامت جسمانی در این جا به آن معنا نبود که اگر طرف مقابل از کسانی بود که در کارهایش نیازمند به کمک دیگران بود نباید با او ازدواج کرد. ممکن است کسی، فردی را کفو خود ببیند که از سلامت جسمانی کافی برخوردار نبوده و در کارهایش محتاج دیگران است. در بسیاری از موارد چنین ازدواج‌هایی با موفقیت همراه شده است؛ مانند ازدواج‌هایی که برخی از دختران همین مرز و بوم با جانبازان عزیزمان انجام داده‌اند. نکته قابل توجه در این نوع از ازدواج‌ها آن است که فرد سالم نباید تنها به دلیل دل‌سوزی با فرد بیمار ازدواج کند؛ بدون این که کفویتی میان خود و طرف مقابل ببیند.

۲. درباره واقعی کردن معیارها در بخش اول سخن گفتیم. در همین بخش هم به ملاک‌های اصلی در انتخاب همسر خواهیم پرداخت.

۵. مهریه‌های سنگین

یکی از اصلی‌ترین مشکلات بر سر راه ازدواج، همین مهریه‌های سنگین است که مانع ازدواج بسیاری از جوانان شده است.

کسانی که مهریه بالا برای خانمشان قرار می‌دهند، به جامعه ضرر می‌زنند. خیلی از دخترها توی خانه می‌مانند، خیلی از پسرها بی‌زن می‌مانند، به خاطر این که این چیزها وقتی در جامعه رسم شد، سنت و عادت شد، به جای «مهر السنّه» به جای این که مهر پیغمبر ﷺ سنت باشد، وقتی مهر جاهلی سنت شد، اوضاع، اوضاع جاهلی خواهد شد.^۱ اگر مهریه‌ها سنگین شد، ازدواج‌ها مشکل خواهد شد، پسرها و دخترها بی‌خانمان خواهند ماند. هر چه آسان‌تر بگیرید بهتر است.^۲

کم بودن مهریه از مسائلی است که هیچ یک از علمای ما در آن اختلاف نظر ندارند. مرحوم محمد حسن نجفی

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۱/۸/۱۳۷۷؛ *مطلع عشق*، ص ۱۲۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۲/۱۲/۱۳۷۲؛ همان.



صاحب جواهر در کتاب شریف جواهر الکلام می نویسد:

کم گرفتن مهریه مستحب است؛ بی آن که میان علما در این باره اختلافی باشد؛ چرا که رسول خدا ﷺ فرمود: «برترین زنان امت من خوب‌رترین و کم‌مهرترین آنان است»^۱ و از برکت زن، کم بودن مهر [و از شومی او زیاد بود مهرش می‌باشد]^۲ و «پُربرکت‌ترین ازدواج، کم‌مؤونه‌ترین آن است»^۳. اصلاً مکروه است مهریه از مهرالسَّنه که پانصد درهم است، بالاتر باشد، همان گونه که امام باقر علیه السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ ازدواج نکرد و دخترانش را به ازدواج کسی در نیورد که مهریه‌اش بیش از پانصد درهم باشد» و «خداوند دستور داد که مهریه پانصد درهم را برای امت خویش سنتی قرار دهد و ایشان چنین کرد»^۴.

یکی از دلایل عمده‌ای که مهریه‌ها تا این اندازه بالا رفته، فراموش شدن فلسفه اصلی این سنت الهی در میان ما مسلمانان است. استاد شهید مرتضی مطهری درباره فلسفه مهریه در اسلام این چنین می‌نویسد:

قرآن کریم مهر را ابداع و اختراع نکرد؛ زیرا مهر به این صورت، ابداع خلقت است. کاری که قرآن کرد این بود



۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۸۷.

۳. مسند احمد، ج ۶، ص ۸۲.

۴. جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام؛ ج ۳۱، ص ۴۷.

که مهر را به حالت فطری آن برگردانید. قرآن کریم با لطافت و ظرافت بی نظیری می گوید: «وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً»^۱ یعنی کابین زنان را که به خود آن‌ها تعلق دارد (نه به پدران یا برادران آن‌ها) و عطیه و پیش کشی است از جانب شما به آن‌ها، به خودشان بدهید. قرآن کریم در این جمله کوتاه به سه نکته اساسی اشاره کرده است. اولاً با نام «صدقه» (به ضمّ دال) یاد کرده است نه با نام مهر. صدقه از ماده «صدق» است و بدان جهت به مهر صداق یا صدقه گفته می شود که نشانه راستین بودن علاقه مرد است. بعضی مفسرین مانند صاحب کشاف به این نکته تصریح کرده اند. هم چنان که بنا به گفته راغب اصفهانی در «مفردات غریب القرآن» علت این که «صدقه» (به فتح دال) را صدقه گفته اند این است که نشانه صدق ایمان است. دیگر این که با ملحق کردن ضمیر «هنّ» به این کلمه می خواهد بفرماید که مهریه به خود زن تعلق دارد؛ نه پدر و مادر، مهر مزد بزرگ کردن و شیردادن و نان دادن به او نیست. سوم این که با کلمه «نحله» کاملاً تصریح می کند که مهر هیچ عنوانی جز عنوان تقدیمی و پیش کشی و عطیه و هدیه ندارد.^۲

مهریه های سنگین؛ چرا؟

وقتی با فلسفه مهریه در اسلام آشنا می شویم، یک سؤال

۱. سوره نساء: ۴، آیه ۴.

۲. نظام حقوق زن در اسلام، ص ۲۳۵.



جدی نمایان می‌شود: «چرا در جامعه امروز ما مهریه به قدری بالا رفته که هیچ تناسبی با آنچه در فلسفه مهریه آمده ندارد». ما در این جا به چند دلیل اشاره می‌کنیم.

۱. سنجش ارزشمندی دختر به مهریه

برخی معتقدند که مهریه زیاد، نشان از ارزش دختر داشته و اگر خانواده دختر در مهریه دست پایین بگیرد، نشان دهنده آن است که خود آن‌ها هم برای دخترشان ارزشی قائل نیستند.

من نمی‌دانم ریشه این تفکر در کجا است؛ ولی همین قدر می‌دانم که این تفکر از نوع گزاره‌های خودکُش است؛ یعنی عمل کردن به آن، عکس آن را نتیجه می‌دهد. اگر واقعاً مهریه‌های بالا نشانه ارزش یک فرد باشد، باید گفت کسی که مهریه خود یا دخترش را هزار سکه تعیین می‌کند، معتقد است ارزش او به همین اندازه است! در حال حاضر هزار سکه مگر چقدر ارزش دارد؟ یک میلیارد؟ یعنی دختر شما از نگاه شما فقط یک میلیارد می‌ارزد؟ امام کاظم علیه السلام فرمود: «آگاه باشید که برای بدن‌های شما قیمتی جز بهشت نیست؛ پس به چیزی جز آن نفروشید».^۱



هیچ پولی، هیچ ثروتی معادل یک انسان نمی شود، نه هیچ مهریه‌ای می تواند قیمت سر انگشت یک زن مسلمان باشد و نه هیچ درآمدی برای یک مرد یا زن می تواند معادل با شخصیت او باشد. کسانی که مهریه‌های دخترشان را برای احترام به دخترشان بالا می‌برند، اشتباه می‌کنند. این احترام نیست. این بی‌احترامی است. برای این که با بالا بردن مهریه، شما جنس این معامله انسانی را، یعنی یکی از دو جنس معامله انسانی را - چون هر دو در مقابل هم هستند - تنزل می‌دهید به حدّ یک کالا و یک متاع. می‌گویید دختر من آن قدر می‌ارزد. نه آقا! دختر شما اصلاً با پول قابل مقایسه نیست. ... این مهریه یک سنت اسلامی و الهی است. برای این نیست که در مقابل این موجود شریف عزیز انسانی، انسان بخواهد یک چیزی بدهد.^۱



کلمه‌ی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازواج مسلمان و موانع آن»

در برخی از جلساتی که برای تعیین مهریه برپا می‌شود به قدری چانه می‌زنند که انسان به یاد بازار می‌افتد که یک طرف آن مشتری و در سوی دیگر آن صاحب مال حضور دارد. به نظر شما این کار، احترام به دختر است یا اوج اهانت به او؟

خود آن کسی که مُشَرَع مهر است - که نبی اکرم ﷺ باشد - که از همه کائنات بالاتر است و دختر مطهره و عزیزه او که از همه زنان عالم از اولین و آخرین بالاتر است و

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۸/۱۱؛ مطلع عشق، ص ۱۲۶.

شوهر او که امیرالمؤمنین علیه السلام باشد که از جمیع خلائق از اولین و آخرین بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله بالاتر است، برای این دو نفر که جوان بودند، زیبا بودند، عنوان داشتند، محترم بودند، اول شخص مدینه بودند، دیدید پیغمبر صلی الله علیه و آله چقدر مهر قرار داد؟^۱

۲. چشم و هم چشمی

چشم و هم چشمی همه جا آفت است و مهریه هم از این آفت در امان نیست. چقدر باید بشنویم از این پدران و مادران که دخترعمویش را فلان قدر مهر کردند و اگر دخترمان را کم تر از آن مهر کنیم، زشت است؟! چرا برخی این قدر سطح پایین فکر می کنند؟ کاش چشم و هم چشمی ها و رقابت در امور معنوی به اندازه امور مادی رواج داشت! مثلاً کسی می گفت فلانی ازدواج دخترش را آسان گرفته، من می خواهم آسان تر بگیرم. فلانی مهر دخترش را کم گرفته، من می خواهم کم تر بگیرم. فلانی به همسرش خیلی احترام می گذارد، من می خواهم بیشتر از او به همسرم احترام بگذارم. فلانی به مردم خیلی کمک می کند، من می خواهم بیش از او کمک کنم. چرا باید این اندازه در امور دنیایی با هم رقابت کنیم؟ حالا که مهر دخترتان را از دختر دیگران بالاتر یا هم اندازه آن گرفتید



۱. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۷۱/۹/۲۴؛ همان، ص ۱۲۴.

چه اتفاقی افتاده است؟ چند بار در فامیل برایتان به به و چه چه کردند که بله مهریه دختر فلانی، فلان قدر است! خوش به حالش. شما که نمی‌خواهید یک تابلو روی دخترتان نصب کنید که رویش نوشته باشد: «مهریه این دختر خانم هزار سکه تمام بهار آزادی است!» بدون تردید بر روی این کارها جز جهالت نام دیگری نمی‌شود گذاشت.

خیال نکنید آن وقت‌ها مهریه زیاد و سنگین یا جهیزیه زیاد سرشان نمی‌شد. چرا آقا! آن وقت‌ها هم بعضی، از این بی‌عقلی‌ها مثل بی‌عقلی‌های زمان ما را داشتند که مثلاً یک میلیون مثقال طلا مهریه دخترشان بکنند. درست مثل همین بی‌عقلی‌هایی که امروزه بعضی‌ها دارند. این کارهای مبالغه‌آمیز این طوری اصلاً کار جهال است. اسلام آمد همه این‌ها را به هم ریخت. نه این که پیامبر ﷺ بلد نبودند بگویند دختر من هزار شتر سرخ موی با فلان شرایط باید مهریه‌اش باشد، چرا می‌شد؛ منتهی اسلام همه را به هم ریخت.^۱

برخی از مردم به قدری در این بی‌عقلی‌ها پیش می‌روند که... خوب است خودتان بخوانید و قضاوت کنید.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۱/۱۲؛ همان.



در شعبه ۲۶۳ دادگاه خانواده در سال ۸۴ زن جوان که فهمیده بود همسرش پای بند اخلاقیات نیست، مهریه‌اش را که دست چپ آقا داماد به همراه ۷۰۰ سگه بود به اجرا گذاشت. عروس خانم به قاضی گفت که خانواده بسیار ثروتمندی دارد و برای رقابت با دختران فامیل در متفاوت بودن مهریه، دست چپ آقا داماد را انتخاب کرده. نکته جالب دیگر این که عروس و داماد یک ماه بعد از عقد به دفترخانه رفته و برای خاص تر بودن و تعهد آورتر بودن مهریه یک بند دیگر به مهریه اضافه کردند: «چشم‌های آقای داماد»!

مهناز، عروس ۲۶ ساله‌ای که با یکی از آشناهایش در شهر مادری خود ازدواج کرده بود، ۱۰ آهوی وحشی را به جهت علاقه‌ای که به طبیعت داشت برای مهریه انتخاب کرد و چند ماه بعد از ازدواج به خاطر شغل شوهرش به پایتخت آمد؛ اما چون طاقت تنهایی و غربت را نداشت مهریه‌اش را به اجرا گذاشت تا شوهرش مجبور شود به شهر خودشان برگردد.

در سال ۸۸ زوجی که در دانشگاه آشنا شده بودند و با ددرس‌های فراوان برای به هم رسیدن، دست و پنجه نرم کرده بودند؛ در حالی شش ماه بعد از ازدواج در دادگاه حاضر شدند که عروس خانم مهریه‌اش را با این استدلال از داماد خواسته بود که: «مگر هر وقت مشکل پیدا بشود باید حقم را از داماد بگیرم؟ مهریه حق من است و اگر مرا دوست داری، باید مهریه‌ام را پرداخت کنی تا با تو زندگی

کنم». و اما مهریه چقدر است؟ داماد این قصه به خاطر علاقه‌اش حاضر شده بود شرط پدر عروس را یعنی ۲۴ کیلو شمش طلا و ۱۳۶۴ سکه طلای بهار آزادی برای ازدواج قبول کند و در روز بله برون چون مادر بزرگ عروس گفته بود که سکه، رسمی امروزی است و بهتر است مهر عروس پول نقد باشد، پدر عروس خانم برای احترام به نظر بزرگ‌ترها مبلغ یک میلیارد تومان هم به مهریه اضافه می‌کند و داماد جوگیر هم که هیچ وقت فکرش را نمی‌کرد بخواهد مهریه بدهد ۱۳۶۴ شاخه گل رز سیاه هم خودش به مهریه اضافه می‌کند ...

عاشق هم شده بودیم. هر دو خانواده برای تفریح به شمال رفته بودیم و من در ساحل، داریوش را دیدم. پسر خیلی خوبی بود. در آن چند روز مفصل با هم صحبت کردیم و وقتی به تهران آمدیم قرار ازدواج گذاشتیم. پدر و مادرهایمان مخالفتی نکردند. وقتی از من درباره مهریه پرسیدند چون من و داریوش کنار دریا با هم آشنا شده بودیم، مهریه‌ام را پنج هزار مرجان دریایی تعیین کردم. آن روزها در ابرها سیر می‌کردم. چه می‌دانستم دعوایمان می‌شود؟ از کجا می‌دانستم تا این حد با هم اختلاف سلیقه داریم؟ ما در هیچ زمینه‌ای با هم تفاهم نداریم. کارمان شده دعوا و جنگ و جدال. پنج هزار مرجان دریایی را که حقم هست می‌خواهم به اجرا بگذارم تا درس ادبی به شوهرم بدهم. این‌ها را زنی به اسم شیرین وقتی به دادگاه



خانواده ونک آمده بود گفت و به این ترتیب اسمش در فهرست عروسانی با مهریه‌های عجیب ثبت شد.^۱

این گونه نیست که این مهریه‌ها تنها در زندگی این زوج اثر بگذارد. دود این بی‌عقلی‌ها به چشم همه می‌رود، همه ضرر می‌کنیم.

طبق آمار ستاد دیه کشور هر روز به طور متوسط ۶ نفر بابت مهریه به زندان می‌افتند و فقط طی ۵۰ روز منتهی به مهر ماه امسال، ۳۲۷ زندانی دیگر به محبوسان قبلی اضافه شده‌اند تا رقم زندانیان مهریه به ۳ هزار و ۳۲۷ نفر برسد.

این رقم شاید در نگاه اول در مقایسه با تعداد زنان و مردان متأهل آمار چشم‌گیری نباشد؛ ولی در واقع به معنای اشغال ۳ هزار و ۳۲۷ تخت در زندان‌ها، اضافه شدن بار مالی به سیستم قضایی و بلا تکلیف ماندن ۳ هزار و ۳۲۷ زن همراه خانواده خود است. اگر این گونه به زندانیان مهریه نگاه کنیم آن‌ها یک تهدید، هم برای خودشان و هم برای جامعه محسوب می‌شوند.^۲

۳. ضمانت زندگی

برخی هم، شأنشان اجل از این حرف‌ها است. اگر مهریه را بالا می‌گیرند برای این است که دامادشان حواسش را جمع کند و فکر نکند هر کاری که خواست می‌تواند با

۱. این مطالب را از برخی از سایت‌های اینترنتی آوردم.

۲. روزنامه جام جم، ۱۳۹۰/۱۲/۱۱.

دخترشان بکند. این‌ها می‌گویند اگر مهریه را بالا بگیریم از همان ابتدا حساب کار دست مرد می‌آید و سعی می‌کند تمام تلاش خود را برای ایجاد یک زندگی ایده‌آل به کار بگیرد. این‌ها مهریه را در حکم یک «لولو» قرار داده‌اند که تا مرد دست از پا خطا کرد، این لولو را نشان دهند و بگویند اگر ادامه بدهی، می‌دهم لولو تو را بخورد؛ یعنی این که مهریه را به اجرا می‌گذارم.

در پاسخ به این دسته باید گفت اولاً مهریه زیاد خودش دشمنی می‌آورد؛ یعنی این هم از گزاره‌های خودگش است. امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود: «در مهریه‌های زنان زیاده‌روی نکنید که دشمنی می‌آورد»^۱.

ثانیاً وقتی مرد بخواهد زندگی را به هم بریزد، به قدری زن را تحت فشار قرار می‌دهد که از خیر مهریه‌اش است بگذرد.

ازدواج یک جنبه قدسی دارد. این جنبه قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ما رایج شده. این مهریه‌های سنگین به خیال این که می‌تواند پشتوانه حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد تعیین می‌شود؛ در حالی که این جور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن امتناع می‌کند، می‌برندش زندان،

۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۲۵۳.

یک سال دو سال زندان می‌ماند. در این اقدام به زن چیزی نمی‌رسد، او بهره‌ای نمی‌برد؛ جز این که کانون خانواده‌اش هم متلاشی می‌شود.

این که در اسلام از حضرت امام حسین علیه السلام نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهر السنّه عقد نکردیم، به خاطر این است و آلا می‌توانستند. اگر امام حسین علیه السلام می‌خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند می‌توانست. لازم نبود مثلاً با پانصد درهم «دوازده و نیم اوقیه» مقید به این کار بشود. آن‌ها می‌توانستند؛ اما کمش کردند. این کم کردن با یک محاسبه است. این خیلی خوب است. یا همین تشریفات زائد ازدواج، خرج‌های زیاد، مجالس متعدّد که واقعاً انسان دلش می‌گیرد وقتی می‌شود. این‌ها از آن مواردی است که گفتمان‌سازی می‌خواهد. خانم‌های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، به خصوص صدا و سیما و رسانه‌ها باید در این زمینه‌ها کار کنند. این را از این حالت بیرون بیاورند.^۱

ثالثاً مگر ساختن یک زندگی ایده‌آل، مانند ساختن یک ساختمان است که بتوان آن را با اهرم زور همان طور ساخت که صاحب‌خانه دلش می‌خواهد؟ پایه زندگی محبت است. محبت را که نمی‌توان با لولو نشان دادن ایجاد کرد یا نگه داشت.

۱. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین سلسله نشست اندیشه‌های راهبردی با موضوع زن و خانواده، ۱۴/۱۰/۱۳۹۰.

اگر محبت در زندگی نباشد مرد، زندگی را به صورت
ظاهری سر پا نگه می‌دارد؛ اما اگر اهل تقوا و ایمان نباشد،
عقدۀ خود را از هر طریق ممکن خالی می‌کند.

این‌هایی که خیال می‌کنند اگر مهریه [بالا] نباشد، ازدواج
دخترشان متزلزل خواهد شد، این‌ها اشتباه می‌کنند. ازدواج
اگر چنانچه با محبت بود، با وضعیت درست بود، بی‌مهریه
هم متزلزل نمی‌شود؛ ولی اگر چنانچه بر مبنای خیانت و
زرنگی و کلاه‌برداری و فریب و این چیزها بود، مهریه هر
چقدر هم که زیاد باشد، مرد بدجنس زورگو، کاری خواهد
کرد که بتواند از زیر بار این مهریه هم فرار کند.^۱

گاهی اوقات مرد آن چنان است که زن هر چقدر هم که
مهریه داشته باشد، می‌گوید: مهرم حلال، جانم خلاص.
مهریه کسی را خوش‌بخت نمی‌کند. ... روش شرعی،
انسان‌ها را خوش‌بخت می‌کند. محبت هم به این چیزها
بستگی ندارد. هر چقدر که پول در این طور مسائل کم‌تر
باشد، عنصر انسانی تقویت می‌شود؛ محبت هم بیش‌تر
می‌شود.^۲

راه اصلی ضمانت زندگی، دو نکته اساسی است. اول،
انتخاب درست؛ یعنی انتخاب کفو و دوم زندگی بر اساس
آموزه‌های قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام.

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۴؛ مطلع عشق، ص ۱۲۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۲/۱۰؛ همان.



بعضی‌ها می‌گویند ما مهریه را سنگین می‌کنیم برای این که مانع طلاق بشویم. این خیلی خطای بزرگی است. هیچ مهریه سنگینی مانع از طلاق نمی‌شود و نشده است. آن چیزی که مانع طلاق می‌شود، اخلاق و رفتار است. رعایت موازین اسلامی است.^۱

۴. پشتوانه اقتصادی پس از طلاق

برخی می‌گویند با این اوضاعی که در جامعه وجود دارد و آمار رشد طلاق نسبت به گذشته زیادتر شده، باید از همان ابتدا فکری برای پشتوانه اقتصادی دختر پس از طلاق نمود. مهریه، بهترین راه تأمین چنین پشتوانه‌ای است.

در پاسخ به این دسته هم باید گفت اولاً چرا از همان ابتدا این اندازه درباره ازدواج خودتان یا دخترتان منفی فکر می‌کنید، هنوز ازدواج نکرده، گمان بد می‌برید و به فکر طلاقید؟

ثانیاً در کدام یک از فلسفه‌هایی که برای مهریه گفته شده، پشتوانه اقتصادی پس از طلاق آمده است؟
ثالثاً چرا از همان ابتدا در انتخاب خود دقیق نباشیم و قاعده‌مند زندگی نکنیم که این اندازه به فکر طلاق و مسائل پس از آن باشیم؟

رابعاً شما چند نفر را می‌شناسید که مهریه بالای خود را

۱. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۷۳/۹/۲؛ همان.

از همسرشان گرفته باشند؟ اگر کمی به اخبار توجه کنید، متوجه می شوید تا چه اندازه آمار زندانیان مهریه در این چند سال اخیر بالا رفته است. بالا رفتن آمار زندانیان مهریه، به همراه بالا رفتن مقدار مهریه در این چند سال معنا و مفهوم دارد. معنای آن این است که بیش تر این مهریه ها جز در سند ازدواج در جای دیگری خود را نشان نمی دهد. مرد می گوید ندارم. قانون هم که برای او حکم اعدام نمی دهد، نهایتاً اگر مالی داشت، مصادره می کند و اگر هم نداشت، زندان. حالا چند نفر از این جوانان هستند که به اندازه مهریه شما مال و منال داشته باشند؟

۵. حرف مردم

برخی می گویند اگر مهر دخترمان را کم بگیریم، مردم خواهند گفت که حتماً این دختر عیبی داشته که این اندازه مهرش را کم گرفته اند؛ پس برای مقابله با این حرف ها باید مهر را زیاد گرفت.

اولاً که ارزش دختر ما با حرف مردم کم و زیاد نمی شود. امام کاظم علیه السلام به هشام فرمود:

ای هشام! اگر در دست تو گردویی باشد و مردم بگویند که در دست لؤلؤیی است، سودی به حال تو ندارد؛ وقتی می دانی آنچه در دست تو است گردو است. اگر هم در دست تو لؤلؤیی باشد و مردم بگویند گردو است، ضرری



برایت نخواهد داشت؛ وقتی می‌دانی آنچه در دست داری
لؤلؤ است.^۱

ثانیاً آنچه ثابت می‌کند دختر شما خوب است یا بد،
عمل کرد او پس از ازدواج است. دختران را به گونه‌ای
تربیت کنید که وقتی ازدواج کردند، به قدری در
همسرداری سرآمد باشند که همه، آرزوی داشتن چنین
عروسی را بکنند.

ثالثاً کسی که فرهنگش این اندازه پایین است که وقتی
مهر دختر را کم می‌گیرند، وصله‌ای را به او می‌چسبانند،
مهر را هم که بالا بگیرد به گونه دیگری نیش خود را
می‌زند؛ مثلاً می‌گوید انگار دخترشان از دماغ فیل افتاده که
این اندازه او را تحویل می‌گیرند؛ پس بالا گرفتن مهر راه
مقابله با این بی‌فرهنگی نیست.

رابعاً وقتی شما مهریه دختر را بالا می‌گیرید، جنبه
معنوی ازدواج را کم کرده‌اید و همین هم آغاز یک رقابت
مادی است که مطمئناً بازنده آن جوانان هستند.

اگر مهریه‌ها سنگین شد، ازدواج‌ها مشکل خواهد شد،
پسرها و دخترها بی‌خانمان خواهند ماند. هر چه آسان‌تر



۱. *تحف العقول*، ۳۸۶. البته ما در کتاب «تا ساحل آرامش» درباره حرف مردم و جایگاه آن در زندگی سخن گفته‌ایم. ر.ک: *تا ساحل آرامش*، ج ۱، گام سوم.

بگیرید بهتر است.^۱

من از مردم سراسر کشور خواهش می‌کنم که آن قدر مهریه‌ها را زیاد نکنند. این سنت جاهلی است. این کاری است که خدا و رسول خدا ﷺ در این زمان به خصوص، از آن راضی نیستند. نمی‌گوییم حرام است، نمی‌گوییم ازدواج باطل است؛ اما خلاف سنت پیامبر ﷺ و اولاد ایشان و ائمه هدی علیهم‌السلام و بزرگان اسلام است. خلاف روش این‌ها است و به خصوص در زمان ما که کشور احتیاج دارد به این که همه کارهای صحیح، آسان شود، هیچ مصلحت نیست که بعضی ازدواج‌ها را این طور مشکل کنند.^۲

مهر السنّه چیست؟

مهر السنّه مقدار مهری است که رسول خدا ﷺ برای حضرت زهرا علیها السلام و همسران خود قرار داد که میزان آن پانصد درهم است که معادل ۲۶۲/۵ مثقال نقره می‌شود.

ما در این جا عین تحقیقی را که درباره مهر السنّه در کتاب «تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث» آمده به شما تقدیم می‌کنیم. این تحقیق در عین کوتاهی، بسیار گویا و همه جانبه است.^۳

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۲/۲۲؛ مطلع عشق، ص ۱۲۷.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۹/۲؛ همان.

۳. این تحقیق توسط فاضل ارجمند جناب آقای عبدالهادی مسعودی نوشته شده است.

عالمان شیعه بر آن اند که مرد و زن می‌توانند در مهریه ازدواج بر هر مبلغ دل‌خواهی توافق کنند. این مقدار، محدودیتی ندارد؛ ولی باید ارزش مالی یا خدماتی داشته باشد. در کنار این جواز شرعی، حکم اخلاقی، استحبابی و مؤکد اسلام، آن است که مقدار مهریه (صداق) تا جای ممکن کم باشد؛ به گونه‌ای که ازدواج را آسان نماید و مهر را - که نشانه صدق و وفاداری مرد به پیمان مقدس ازدواج است - تبدیل به وسیله‌ای برای فخرفروشی یا پای‌بند کردن اجباری به ادامه زندگی و ازدواج نسازد. از این رو پیشوایان دین سفارش‌های مکرری نموده‌اند که مردان و زنان به همان مهری رضایت دهند که پیامبر خدا ﷺ به عنوان بهترین اسوه قابل پیروی، آن را برای همسران و دختران خود قرار می‌داده است. پیشوایان شیعه، پیروان خود را از تعیین مهریه‌ای بیش از این مقدار نهی کرده‌اند. این نهی، هر چند دلالت بر حرمت ندارد؛ اما کراهت آن را اثبات می‌کند.

گزارش‌های متعددی، مهریه ازدواج‌های پیامبر ﷺ را به عنوان سنت نهاده شده ایشان در زمینه ازدواج ذکر کرده‌اند. خوش‌بختانه این گزارش‌ها در شیعه و اهل سنت، مقدار ثابت و معینی را برای مهریه ذکر کرده‌اند و تنها دو گزارش با انبوه نقل‌ها متفاوت است. نقل‌های متواتر، مهریه زنان و دختران پیامبر ﷺ و نیز دختران اهل بیت او



را «دوازده و نیم اوقیه نقره» برابر با «پانصد درهم» دانسته است و تنها دو نقل، یکی از شیعه^۱ و یکی از اهل سنت^۲، مهریه یکی از زنان پیامبر ﷺ به نام امّ حبیبه را بیش از این مقدار - یعنی چهار هزار درهم - دانسته‌اند؛ اما امام باقر علیه السلام این را یک استثنا دانسته است که به خواست پیامبر ﷺ نبوده؛ بلکه امضا و تقریر کاری بوده که نجاشی، حاکم حبشه کرده است. او - که وکیل پیامبر ﷺ در خواستگاری و عقد امّ حبیبه (از زنان هجرت کرده به حبشه) بوده است، مهر چهار هزار درهمی برای او تعیین می‌کند و آن را از جانب خود می‌پردازد و پیامبر ﷺ هم دیگر سخن و اعتراضی بر زبان نمی‌آورند.^۳

گزارش‌های متعددی مهرالسنة را برابر با دوازده و نیم اوقیه دانسته‌اند. اوقیه، واحدی برای داد و ستد اعراب در صدر اسلام و پیش از آن بوده و برابر با چهل درهم آن روزگار بوده است.^۴ درهم نیز در روزگار قدیم، واحدی برای

۱. کتاب من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۷۳، ح ۶۵۴؛ علل الشرایع، ص ۵۰۰، ح ۱.

۲. مسند ابن حنبل، ج ۱۰، ص ۳۹۵، ح ۲۷۴۷۷؛ السنن الکبری، ج ۷، ص ۳۷۹، ح ۱۴۳۳۴.

۳. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۴۸.

۴. مؤلفان کتب غریب الحدیث و لغت و نیز فقیهان متقدم شیعه و اهل سنت، این برابری را ذکر کرده‌اند. خوش‌بختانه امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز در چند روایت این تساوی را بیان کرده‌اند.

داد و ستد و نیز وزن کردن نقره و برخی داروها و اشیای قیمتی بوده است. مقدار درهم، در طول زمان، دست‌خوش تغییر و تحوّل بوده است؛ اما پس از تبدیل شدن آن به سکه رایج حکومت اسلامی در روزگار امویان تا چندین قرن، مقدار آن تفاوت نکرد و امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام در برابر پرسش راویان، برابری هر اوقیه با چهل درهم را با همان درهم رایج اموی در زمان خود اعلام می‌دارند. خوش‌بختانه وزن این درهم، معین و حدود سه گرم نقره خالص است. بر این اساس مهرالسنة حدود هزار و پانصد گرم نقره خالص می‌شود که ارزش ریالی آن در زمان نگارش این نوشته (مهرماه ۱۳۸۷)^۱ حدود شش صد هزار تومان است و همان گونه که ملاحظه می‌شود، مهر بسیار سبکی است و طبعاً پرداخت آن نیز آسان است.^۲



پرسش اول: تجربه بر خلاف حرف شما سخن می‌گوید

در این مدتی که بنده کار وکالت انجام می‌دهم، عکس صحبت‌های شما را حس کردم. اگر چه مهریه بالا ضامن زندگی نیست؛ اما وقتی مهریه بالا باشد، به هر حال خانم با فشاری که روی آقا می‌آورد، می‌تواند قسمتی از مهریه را بگیرد و برای گذران زندگی استفاده کند؛ البته شاید با توجه به این که بنده دائم با موردهای منفی مواجه بودم،

۱. هم اکنون که بنده در حال نوشتن این سطور هستم (فروردین ۱۳۹۱) این

مبلغ در حدود دو میلیون و پانصد هزار تومان است.

۲. تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۱۲.

در این زمینه دچار وسواس شده باشم.

از این وکیل محترم از دو جهت تشکر می‌کنم؛ جهت اول با صراحت لهجه و در عین حال در اوج متانت انتقاد خود را مطرح کردند. جهت دوم این که با تواضع، احتمال خطا را در نظر خود راه داده و راه را برای نقد بر خویش باز گذاشتند.

اول: توجه به جامعه آماری

همان طور که خود این شنونده محترم هم اشاره فرمودند، ایشان در محیط کارشان تنها با مواردی برخورد می‌کنند که زندگی به بُن بست رسیده و مردم هم ایشان را به عنوان وکیل برای استیفای حقوق خود انتخاب می‌کنند. طبیعی است که قضاوت ایشان درباره تأثیر مهریه بالا با توجه به موارد یک جامعه آماری غیراستاندارد شکل گرفته است؛ پس نمی‌توان به این یافته اعتماد کرده و بر اساس آن به جامعه توصیه کنیم که مهریه دخترانتان را بالا بگیرد.

در کنار شما کسانی هستند که خلاف این نظر را تجربه کرده‌اند؛ مثلاً یکی از شنوندگان محترمی که دفتر ازدواج و طلاق دارد، تماس گرفته و مطالب ذیل را بیان کرده است:

من استاد حوزه و دانشگاه و سردفتر ازدواج هستم. از صد و یک مورد طلاقی که در یک دفترخانه ازدواج ثبت شده، در شصت و شش مورد، خانم‌ها مهریه خود را بخشیده و



طلاق گرفته‌اند. در بیست و سه مورد هم به مقداری از مهریه رضایت داده و به زندگی مشترک خاتمه داده‌اند. ده مورد هم پرونده مهریه در حال جریان بوده و یا چون طلاق غیابی بوده تصمیم‌گیری نشده است. دو مورد توانستند مهریه را بگیرند که یکی به صورت نقدی و دیگری به صورت اقساطی مهریه خود را دریافت کرده است. بیش‌تر کسانی که همه یا بخشی از مهریه را بخشیده‌اند، مهریه بالایی داشته‌اند.

دوم: هشدار نسبت به تغییر فلسفه مهریه

ما اگر از طرف خودمان برای احکام، فلسفه بافی کرده و بر اساس همین فلسفه هم احکام را مدیریت کنیم، از مسیر دین خارج شده‌ایم. ما در ابتدا باید ثابت کنیم فلسفه مهریه از نگاه دین پشتوانه اقتصادی زن پس از طلاق است، بعد درباره جوانب آن صحبت کنیم. اگر از نگاه دین، فلسفه مهریه پشتوانه اقتصادی زن پس از طلاق باشد، پذیرش مهر السنه معقول نیست؛ ولی در هیچ آیه و روایتی چنین مطلبی بیان نشده و هیچ عالمی هم فلسفه مهریه را چنین امری ندانسته است؛ پس بهتر است برای اوضاع اقتصادی زندگی زن پس از طلاق فکر دیگری بکنیم؛ نه این که یک حکم الهی را تغییر جهت دهیم و آن را از مسیری که خدا برای آن تعیین کرده خارج کنیم. در ابتدای بحث مهریه نظر شهید مطهری را که نظر شخصی ایشان هم نبود بیان



کردیم، مبنی بر این که مهریه، پیش‌کش و هدیه‌ای است که مرد در ابتدای زندگی به زن می‌پردازد. این فلسفه با آنچه شما می‌گویید فاصله زیادی دارد.

سوم: مهریهٔ بالا و بالا بردن احتمال طلاق

با توجه به روایات باید گفت که مهریه‌های زیاد خود یکی از عوامل ایجاد زمینه برای طلاق است. پیش از این روایتی در این زمینه آوردیم، در این جا روایت دیگری را می‌آوریم که رسول خدا ﷺ فرمود:

در مورد مهریه آسان بگیرید؛ [اگر مهریه را بالا بگیرید] مرد آن را می‌دهد؛ اما در درونش حقد و کینه [نسبت به زن] باقی می‌ماند.^۱

چرا باید با مهریه‌های بالا زمینه دشمنی را ایجاد کنیم تا این مسئله خود زمینه‌ساز طلاق شود و بعد هم بنشینیم فکر کنیم به این که حالا برای وضعیت اقتصادی زنان پس از طلاق چه کنیم؟

چهارم: فکری دیگر برای حل مسائل اقتصادی پس از طلاق

ما به دغدغه شما نسبت به وضعیت زندگی زنان پس از طلاق ارج می‌نهمیم؛ اما به نظر می‌رسد تکیه بر مهریه راه حل مناسبی برای این مسئله نباشد؛ چرا که همان طور که



۱. الفایق فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۴۲۱.

بیان شد، نتیجه عکس می‌دهد؛ اما نباید مسئولان و متولیان امر صورت مسئله را پاک کرده و نسبت به این دغدغه بی‌اعتنا باشند. باید به دنبال راه‌کارهایی برای گذران زندگی زنانی بود که پس از طلاق تکیه‌گاه اقتصادی ندارند. در این صورت جلوی رشد بی‌رویه مهریه را تا اندازه زیادی می‌توان گرفت.

پرسش دوم: زمانه عوض شده، پس مهرالسنة قابل اجرا نیست
رسول خدا ﷺ متناسب با شرایط آن زمان مهریه حضرت زهرا علیها السلام را با توجه به توانایی حضرت علی علیه السلام معین نمودند. توانایی عمومی مردم هم در آن زمان بسیار کم بود؛ اما در حال حاضر اوضاع و شرایط تفاوت زیادی کرده است؛ پس نمی‌توان امروز نیز همان مهریه‌ای را تعیین کرده که در آن زمان بوده است.

اول: مهرالسنة مهریه همه اهل بیت علیهم السلام در هر زمان

این که مهریه حضرت زهرا علیها السلام متناسب با توانایی امیر مؤمنان علی علیه السلام بود، تردیدی نیست؛ اما اگر به سیره رسول خدا ﷺ و ائمه معصومین علیهم السلام درباره ازدواج‌های خود و دخترانشان دقت کنید، خواهید دید که در هر شرایطی این مقدار ثابت بوده است؛ از همین رو باید گفت اهل بیت علیهم السلام در هر شرایطی اصرار بر مهر السنة داشتند.

امام باقر علیه السلام فرمود:

رسول خدا ﷺ احدی از دخترانش را به ازدواج درنیامورد و



با هیچ کدام از زنانش ازدواج نکرد که مهریه‌اش بیش از «دوازده و نیم اوقیه» باشد.^۱

اگر به جنبهٔ ماورایی مهرالسّنه هم دقت کنیم، خواهیم دید زمانه اثری بر میزان آن نخواهد گذاشت.

کسی از امام رضا علیه السلام پرسید: «چرا مهرالسّنه پانصد درهم نقره شد؟» حضرت فرمود:

خداوند بر خود واجب کرده اگر انسان با ایمان، صد بار «الله اکبر» و صد بار «سبحان الله» و صد بار «الحمد لله» و صد بار «لا اله الا الله» بگوید و صد بار بر محمد و آتش صلوات بفرستد، سپس عرض کند: خدایا! مرا حورالعین تزویج کن، حتماً خداوند حورالعین را [در آخرت] همسر او می‌گرداند. این ذکرها [که در جمع پانصد عدد می‌شود] مهریهٔ حورالعین است.

پس خداوند به پیامبرش وحی نمود که: مهریهٔ زنان با ایمان را پانصد درهم سنت کن. رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز همین مقدار را برای مهریه سنت نمود، سپس فرمود: هر شخص با ایمانی که از دختر برادر دینی‌اش خواستگاری کند و پانصد درهم [به عنوان مهریه] بذل نماید؛ اما آن برادر دینی [این مبلغ را کم بشمرد و] جواب رد بدهد، پس با خواستگار بدرفتاری و نامهربانی نموده، از طرف خداوند سزاوار می‌گردد که [در آخرت] حورالعین را به ازدواج او درنیآورد.^۲



۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۴۷.

۲. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۵۶.

ما نباید با انحراف زمانه کنار بیایم، قطب‌نمایی که اگر لحظه‌ای از آن غفلت کنیم، به بی‌راهه خواهیم رفت، معارف قرآن و اهل بیت علیهم‌السلام است. الگوی ما آن بزرگواران هستند. اگر جامعه به سمت و سویی مخالف با جهت ایشان رفت، ما باید با تبعیت از اهل بیت علیهم‌السلام اجازه ندهیم این فرهنگ ناب در آشفته بازار رقابت‌های مادی کم‌رنگ شود.

هزاران جوان زیبا و با اصل و نسب و قدرتمند و محبوب به یک تار موی علی بن ابی طالب علیه‌السلام نمی‌ارزند. هزاران دختر با اصل و نسب هم به یک تار موی حضرت زهرا علیها‌السلام نمی‌ارزند. آن‌هایی که هم از لحاظ معنوی و الهی آن مقامات را داشتند، هم از بزرگان زمان خودشان بودند. ایشان دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بود. رئیس جامعه اسلامی، حاکم مطلق. او هم سردار درجه یک اسلام بود. ببینید چطوری ازدواج کردند؟ چه جور مهریه کم، چه جور جهیزیه کم. همه چیز با نام خدا و با یاد او. این‌ها برای ما الگو هستند. همان زمان هم جاهلانی بودند که مهریه دخترانشان بسیار زیاد بود؛ مثلاً هزار شتر. آیا این‌ها از دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بالاتر بودند؟ از آن‌ها تقلید نکنید، از دختر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تقلید کنید، از امیرالمؤمنین علیه‌السلام تقلید کنید.^۱

دوم: رابطه مهریه بالا و ضعف جنبه معنوی ازدواج

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۲/۱۷؛ مطلع عشق، ص ۱۲۳.

هر اندازه مهریه بالا برود، جنبه معنوی ازدواج کم‌رنگ می‌شود. کم شدن جنبه معنوی ازدواج هم مشکلات فراوانی در زندگی تولید می‌کند.

این که می‌بینید ما گفتیم چهارده سکه بیش‌تر عقد نمی‌کنیم،^۱ نه برای این است که چهارده سکه بیش‌تر اشکالی در ازدواج ایجاد می‌کند. خیر، چهارده هزار سکه هم باشد، ازدواج اشکالی ندارد، فرقی ندارد. این برای این است که آن جنبه معنوی ازدواج، غلبه پیدا کند بر جنبه مادی؛ مثل یک تجارت و معامله نباشد. داد و ستد مادی نباشد. اگر تشریفات را کم کردید، جنبه معنوی تقویت خواهد شد.^۲

سوم: حدّ و مرز مهریه را فراموش نکنیم

ما کاسه داغ‌تر از آتش نیستیم که بگوییم مهریه‌ای بالاتر از مهر السنّه حرام است یا ازدواج را باطل می‌کند؛ اما می‌گوییم باید حدّ و مرز مهریه را شناخت. اگر می‌بینیم امروز در جامعه ما مهریه ۳۱۳ سکه که حدود ۲۵۰ میلیون تومان است، مهریه متوسطی معرفی می‌شود، از آن رو است که حدّ و حدود مهریه را نمی‌دانیم. چه باید گفت وقتی صد برابر مهریه بالاتر

۱. همان طور که می‌دانید مقام معظم رهبری پیش از این، هر از گاهی خطبه عقد جوانان را می‌خواندند؛ اما شرط جاری شدن خطبه عقد از سوی ایشان آن بود که مهریه از چهارده سکه بیش‌تر نباشد.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱۰/۲۶؛ همان، ص ۱۲۵.

از مهرالسنه، مهریه معمولی نامیده می‌شود. کدام یک از جوانان ما در ابتدای ازدواج توانایی پرداخت نصف این مهریه را دارند؟

من گمان می‌کنم این که در جهیزیۀ حضرت زهرا علیها السلام این قدر سادگی رعایت شد و در مهریه ایشان و همه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله به آن مهر کم، مهر السنه مقید بودند؛ در حالی که همه قبول داشتند که بیش از مهر السنه هم جایز است؛ اما این حد را حفظ کردند، این یک جنبه نمادین داشت، برای این که بین مردم مبنا و پایه‌ای باشد برای عمل به آن، تا دچار این مشکلاتی که بر اثر زیاده‌روی‌ها پیش می‌آید، نشوند.^۱

چهارم: تذگری به آن دسته مردان که از دادن مهریه زنان خود با وجود مطالبه ابا دارند

ما تا این جا تمام حرفمان متوجه دختران و خانواده‌های آنان بود؛ اما در این جا روی سختم با آقایان است؛ آن هم آقایانی که نگاهشان به مهریه به عنوان یک رسم صوری و نمایشی است و مهریه را هر چه باشد، می‌پذیرند؛ اما به این قصد که هیچ گاه آن را پرداخت نکنند. خطاب به این افراد می‌خواهم روایاتی را بخوانم که وجدان هر انسان بیداری را به تأمل وامی‌دارد.



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۴/۱۸؛ همان، ص ۱۲۴.

رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که در مهریه زنی به او ظلم کند، در نزد خداوند در حکم شخص زناکار است. در روز قیامت خداوند عز و جلّ به او می گوید: «بنده من! من کنیز خودم را بر عهد خویش به ازدواج با تو در آوردم؛ اما تو به عهدم وفا نکردی و به او ظلم نمودی». پس، از کارهای نیک این مرد گرفته می شود و به آن زن داده می شود. وقتی هم کار نیکی باقی نماند، او را به سوی آتش امر می کنند؛ چرا که عهد خدا را شکسته و «از عهد پرسیده خواهد شد»^۱.

امام صادق عاشق فرمود:

دزدها سه دسته اند: کسی که زکات نمی دهد و کسی که مهر زنان را حلال می شمرد و کسی که قرض می گیرد و قصد پرداخت آن را ندارد.^۲

امام رضا عاشق از قول پدران و آنان از قول رسول خدا ﷺ نقل کردند که فرمود:

خداوند بخشنده هر گناهی هست، مگر کسی که مهریه ای را انکار کند یا مزد کارگری را غصب کند [و نپردازد] و یا مردی را که آزاد است به عنوان برده بفروشد.^۳

۱. «إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا» سورة اسراء: ۱۷، آیه ۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۴۹.

۳. الخصال، ج ۱، ص ۱۵۳.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۳۵۰.



در این جا به همه آقایانی که مدافع مهریه پایین و بالأخص مهرالسنة می باشند، باید عرض کرد اگر بخواهیم نسبت به دین، گزینشی عمل نکرده و با مهرالسنة، سلیقه ای برخورد نکنیم، باید مهریه را به صورت نقد پرداخت کنیم. چرا وقتی درباره مهریه حضرت زهرا علیها السلام صحبت می کنیم تنها به پانصد درهم بودن آن توجه می کنیم و در نقد بودن همین پانصد درهم تأمل نمی کنیم؟ ما در هر کجا با دین به صورت گزینشی برخورد کردیم ضربه خوردیم.

قرآن کریم وقتی درباره مهریه زنان سخن می گوید، به پرداخت آن امر می کند؛ آن هم در هر شرایطی؛ نه فقط در هنگام اختلاف و طلاق.



وَ اتُوا النِّسَاءَ صَدَقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ
نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَرِيئًا؛ و مهر زنان را (به طور کامل) به
عنوان یک بدهی (یا یک عطیه) به آنها پردازید، و اگر
آنها با رضایت خاطر چیزی از آن را به شما ببخشند آن را
حلال و گوارا مصرف کنید.^۱

بهتر است در پایان، روایاتی هم درباره بخشش مهریه
بیاوریم تا بحثمان کامل تر شود.

۱. سورة نساء: ۴، آیه ۴.

رسول خدا ﷺ فرمود:

هر زنی که مهریه‌اش را قبل از نزدیکی، به همسرش ببخشد
خداوند متعال در عوض هر دینارش پاداش آزاد کردن یک
بنده را برای او می‌نویسد.

سؤال کردند: ای رسول خدا! اگر پس از نزدیکی ببخشد
چگونه است؟

حضرت فرمود: این عمل، نشانه دوستی و الفت است.^۱

در روایتی آمده است که:

سه دسته از زنان هستند که خداوند عذاب قبر را از آنان
برداشته و با فاطمه علیها السلام دختر محمد صلی الله علیه و آله محشور می‌شوند:
زنی که نسبت به غیرت همسرش صبور باشد، زنی که
بداخلاقی شوهرش را تحمل کند و زنی که مهریه‌اش را به
شوهرش ببخشد. خداوند به هر یک از این زنان ثواب هزار
شهید را داده و در نامه عمل هر کدام یک سال عبادت درج
می‌نماید.^۲



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازواج آسان و موافق آن»

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۸۲.

۲. بحارالانوار، ج ۲۱، ص ۲۸۵.

۶. تشریفات و تجملات

برخی از جوانان ما وقتی از خوان مهریه به سلامت می‌گذرند، در خوان دیگری گرفتار می‌شوند که فکر آن برخی از خانواده‌ها را از ازدواج فراری می‌دهد. تشریفات و تجملاتی که در مقدمات ازدواج وجود دارد، مانع ازدواج به هنگام بسیاری از جوانان است.

من به همه مردم سراسر کشور توصیه می‌کنم که ازدواج‌ها را آسان کنند. بعضی‌ها ازدواج را مشکل می‌کنند. مهریه‌های گران و جهیزیه‌های سنگین ازدواج را مشکل می‌کند. ... خانواده پسرها توقع جهیزیه‌های سنگین بکنند؟ خانواده‌های دخترها برای چشم و هم‌چشمی دیگران جهیزیه‌ها را و تشریفات را و مجالس عقد و عروسی را رنگین‌تر بکنند؟ چرا؟ اثر این را می‌دانید چیست؟ اثر این کارها این است که دخترها و پسرها بدون ازدواج در خانه‌ها



می‌مانند، کسی جرأت نمی‌کند به ازدواج نزدیک شود.^۱

این تشریفات را در دو بعد می‌توان بررسی کرد: اول
جهیزیه و دوم مراسم عقد و عروسی.

الف) جهیزیه

از نظر شرعی دختر و خانواده او موظف به تهیه جهیزیه
نیستند؛ اما در بسیاری از فرهنگ‌ها رسم است که خانواده
دختر، امکانات اولیه زندگی را به همراه دخترشان راهی
خانه شوهرش می‌کنند. در برخی از فرهنگ‌ها هم خانواده
پسر جهیزیه را فراهم نموده و در برخی به صورت
اشتراکی این کار انجام می‌گیرد.

اصل این که خانواده‌ها در ابتدای زندگی، وسایل مورد
نیاز دختر و پسر را تهیه کرده و همراهشان کنند، خوب
است؛ اما وقتی این کار خوب، گرفتار تشریفات و تجمل
شد، آن وقت است که خاصیت خودش را از دست
می‌دهد. شما به جهیزیه حضرت زهرا علیها السلام نگاه کنید، ببینید
چقدر ساده است!

امام صادق علیه السلام فرمود:

چون پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فاطمه علیها السلام را به همسری علی علیه السلام
درآورد، به نزد فاطمه علیها السلام رفت؛ در حالی که او را گریان

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۹/۲؛ مطلع عشق، ص ۱۲۲.

یافت. به او فرمود: چرا گریه می کنی؟ به خدا سوگند اگر در خانه‌ام بهتر از او [علی علیه السلام] بود، تو را به همسری وی در می آوردم! این من نبودم که تو را شوهر دادم؛ بلکه خداوند تو را همسر داد و ...

علی علیه السلام گفت: سپس پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برو و زره را بفروش.

من رفتم و آن را فروختم و پولش را گرفتم و نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بازگشتم و درهم‌ها را در دامن او ریختم. از من نپرسید که چه مقدار است و من هم مقدارش را نگفتم. پس مشتی برداشت و و بلال را صدا زد و درهم‌ها را به او داد و فرمود: برای فاطمه قدری عطر خریداری کن.

سپس با هر دو دستش از درهم‌ها برداشت و به ابوبکر داد و فرمود: برای فاطمه آنچه از لباس و اثاث خانه به دردش می خورد بخر.

عمار بن یاسر و تنی چند از صحابه را همراه او فرستاد. آن عده به بازار رفتند و به هر چه برمی خوردند و به درد می خورد، پیش از خرید به ابوبکر نشان می دادند. اگر او آن را مناسب می دید می خریدند. از جمله چیزهایی که خریداری کردند این اقلام بود: یک پیراهن به قیمت هفت درهم، یک چارقد به قیمت چهار درهم، قطیف^۱ مشکی خیبری، یک تخت ساخته شده با طناب بافته از لیف خرما، دو رخت خواب از خیش^۲ مصری که یکی با لیف خرما پر شده بود و دیگری با پشم گوسفند، چهار



۱. حوله.

۲. کرباس.

عدد بالش از چرم طائف که با علف گورگیا^۱ پر شده بود، یک پردهٔ پشمی، بوریایی هَجْرَی، یک دستاس، لگن مسی، آب‌خوری چرمی، قدحی برای شیر، مشک آب کوچک، آفتابه‌ای زفت‌اندود،^۲ یک سبوی سبز و چند کوزهٔ سفالی.

خرید که تمام شد، ابوبکر مقداری از وسایل را برداشت و بقیهٔ را یاران پیامبر خدا ﷺ که با او بودند برداشتند. چون کالاها را نزد پیامبر خدا ﷺ آوردند، ایشان با دستش آن‌ها را زیر و رو می‌کرد و می‌فرمود: خدا بر اهل این خانه برکت دهد!^۳

این‌ها مقدمات آغاز یک زندگی است؛ ساده و بی‌آلایش.

شما نگاه کنید به دختر پیغمبر اکرم ﷺ، بهترین دخترهای عالم، فاطمه زهرا علیها السلام بود. بهترین زن‌های اولین و آخرین، فاطمه زهرا علیها السلام بود. هرگز دختری و زنی به آن خوبی، به آن شرافت و عظمت نیامده است. همهٔ زن‌های عالم از اول تا آخر در مقابل او مثل خدمت‌کارهایی هستند، مثل ذراتی هستند در مقابل خورشید جهان افروز. شوهرش امیرالمؤمنین علیه السلام، بهترین مردان عالم. اگر چنان‌چه همهٔ فضایل و مکارمشان را جمع کنیم، همهٔ مردان عالم به یک ناخن او هم نمی‌رسند؛ این دو مظهر عظمت، مظهر زیبایی و

۱. گیاهی است انبوه و گسترده و خوش خوراک.

۲. قیرگون.

۳. الامالی طوسی، ص ۴۱.

فضیلت، با هم دیگر ازدواج کردند. جهیزیه شان همان چند قلم ارزان قیمتی بود که در کتاب‌ها نوشته‌اند و ضبط کرده‌اند: یک تگه حصیر، یک تگه لیف خرما، یک دست رخت خواب و یک دستاس، یک کوزه، یک کاسه. ^۱...

حالا ما نمی‌گوییم دخترهای ما مثل فاطمه زهرا علیها السلام جهیزیه بگیرند. نه دخترهای ما مثل فاطمه زهرا علیها السلام هستند و نه خود ماها مثل پدر ایشان هستیم و نه پسرهای ما مثل امیرمؤمنان علیه السلام، شوهر فاطمه زهرا علیها السلام ما کجا و آن‌ها کجا؟! زمین تا آسمان با هم فرق داریم؛ اما معلوم می‌شود راه، آن راه است. جهت، آن جهت است. جهیزیه را مختصر بگیرد. به این و آن نگاه نکنید، خرج زیادی نکنید. کار را برای کسانی که ندارند مشکل نکنید. ^۲

امروزه جهیزیه از فلسفه خود خارج شده و تبدیل به یک معضل جدی در راه ازدواج جوانان شده است. جهیزیه برای آن است که دو جوانی که تازه زندگی را آغاز کرده‌اند وسایل اولیه زندگی را داشته باشند و در همان ابتدا با دست خالی وارد زندگی نشوند. چه بسیار خانواده‌هایی که به جهت عدم توانایی در تهیه جهیزیه، خواستگاران خوب دختران خود را رد می‌کنند! اگر فرهنگ ازدواج حضرت زهرا علیها السلام در میان خانواده‌های ما رایج شود، بسیاری از خانواده‌های متوسط رو



۱. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۴.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱/۵؛ مطلع عشق، ص ۱۲۹.

به ضعیف هم در تهیهٔ جهیزیهٔ دخترانشان مشکل خاصی نخواهند داشت. وقتی به لیست جهیزیه‌های امروزی نگاه می‌کنیم می‌بینیم که برای یک جهیزیهٔ معمولی نزدیک به ده میلیون باید هزینه کرد. تهیهٔ این پول برای چند خانواده به آسانی امکان دارد؟

انواع و اقسام ریخت و پاش‌ها، زیاده‌روی‌ها، کارهای غلط، جهیزیه‌های سنگین. همه جور چیزی را حتماً باید بخرند، بیاورند توی جهیزیه بگذارند که اقلأً یک چیز بیش‌تر از دخترخاله‌اش یا نمی‌دانم خواهرش، یا آن همسایه‌شان یا آن هم کلاسی‌شان داشته باشد. این‌ها از آن غلط‌های موذی و آزار دهنده است، برای خود انسان و برای مردم. خیلی از دخترها نمی‌توانند به خانهٔ بخت بروند، خیلی از پسرها نمی‌توانند ازدواج کنند، به خاطر همین چیزها. به خاطر همین گرفتاری‌ها. اگر ازدواج آسان بود، اگر مردم آن قدر سخت‌گیری نکرده بودند، بعضی‌ها اگر مهریه‌شان سنگین نبود، اگر این جهیزیه‌های جاهلانه نبود و پدر و مادرها به خیال خودشان برای این که مبادا دل دخترشان بشکند، خودشان را به آب و آتش نمی‌زدند، این گرفتاری‌ها برای خیلی از خانواده‌ها پیش نمی‌آمد.^۱

اما با توجه به سختی تهیهٔ چنین جهیزیه‌ای چرا باز هم خانواده‌های دختران به سراغ چنین جهیزیه‌هایی می‌روند؟

۱. جهیزیه، عزت دختر!

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۲۶/۱۰/۱۳۷۲؛ همان، ص ۱۲۸.



خدا نکند انسان از معیارهای دینی دور شود؛ اما اگر دور شد، عزت و شخصیت را در کالا و متاع جست و جو می‌کند. این نگرش به من و شما می‌گوید اگر تلویزیونی که برای دخترتان تهیه می‌کنید، از این (LCD) یا (LED)ها باشد، عزت دختر شما بیش‌تر و اگر هم از همین تلویزیون‌های معمولی باشد، عزتش کم‌تر است. شخصیتی که بنا است با مدل تلویزیون کم و زیاد شود، نباشد بهتر است.

جهیزیه برای دختر مایه عزت نیست. عزت دختر به اخلاق او و رفتار و شخصیت او است. بعضی از خانواده‌های عروس، خودشان را اذیت می‌کنند و به زحمت می‌اندازند و اگر پول هم ندارند، به زحمت پول تهیه می‌کنند. اگر پول دارند خرج زیادی می‌کنند، برای این که یک جهیزیه مفصل پرزرق و برقی را مثلاً در اختیار دخترشان بگذارند.^۱ مهریه و جهیزیه زیاد، هیچ دختری را خوش‌بخت نمی‌کند و هیچ خانواده‌ای را به آرامش و سکون و اعتماد لازم نمی‌رساند. این‌ها زوایای زندگی است. فضول^۲ زندگی است و جز دردسر و اسباب زحمت و اسباب مشکل فایده‌ای ندارد.^۳



۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۱۲/۲۸؛ همان، ص ۱۲۷.

۲. زیادی.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۹/۱۸؛ همان، ص ۱۲۸.

۲. چشم و هم‌چشمی

رقابت خوب است؛ اما نه در همه چیز. طبق آموزه‌های قرآنی ما باید در کارهای خیر از یکدیگر سبقت بگیریم؛^۱ اما آیا رقابت در امروزی و لوکس کردن هر چه بیش‌تر جهیزیه هم کار خیر است؟ این رقابت‌ها هر اندازه بیش‌تر می‌شود کار ازدواج جوانان را سخت‌تر از گذشته می‌کند؛ پس بدون تردید چنین کاری از مصادیق بارز مانع ایجاد کردن بر سر راه خیر است.

خانواده‌ها روی چشم و هم‌چشمی، جهیزیه را برای خودشان یک معضل می‌کنند. بعد که این معضل را خودشان به یک نحوی تحمّل کردند، تازه نوبت دیگران است که رنج این معضل را ببرند. برای خاطر این که وقتی شما در جهیزیه دخترتان این همه وسایل درست کردید، بعد کسانی که دیدند، تکلیف آن‌ها چیست؟ این چشم و هم‌چشمی‌ها آخر به کجا خواهد رسید؟ این همان مشکلاتی است که درست خواهد شد. اسلام می‌خواهد این‌ها نباشد.^۲

بعضی‌ها سعی می‌کنند که برای جهیزیه بزنند روی دست همه قوم و خویش‌ها و همسایه‌ها و دوست و آشناها که این هم غلط است. باید نگاه کنید ببینید که چه چیزی درست است، چه چیزی حق است آن را انجام بدهید. چه چیزی

۱. «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» سوره بقره: ۲، آیه ۱۴۸، سوره مائده: ۵، آیه ۴۸.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۳/۱۶؛ همان.



حق است؟ یک خانواده دو نفره یک وسایلی لازم دارند که یک زندگی ساده‌ای داشته باشند.^۱

گاهی این چشم و هم‌چشمی به قدری زیاد و جاهلانه می‌شود که مارک جنس و محلّ خرید آن هم مهم می‌شود. برخی حاضرند جنسی را از محلّی بخرند که معروف است؛ اما دو برابر قیمت واقعی آن را پرداخت کنند؛ فقط به این دلیل که بگویند از فلان جا خریدیم.

این دخترخانم‌ها که می‌خواهند جهیزیه درست کنند، برای خرید اسباب سر عقد و جهیزیه، توی این دکان‌های گران قیمت بعضی از جاهای تهران، آن محلّات گران قیمت که معروف است - نمی‌خواهم اسم بیاورم - من می‌شناسم کجاها است که دکان‌هایش معروف است به جنس گران، اصلاً طرف آن‌ها پا نگذارند. بروند آن جاهایی که معروف به گرانی نیست. این طور نباشد که داماد بی‌چاره را دنبالشان راه بیاندازند برای خرید عروس و خرید عقد. متأسفانه از این کارها می‌کنند.^۲

۳. توان مالی بالا

برخی نه معتقدند که جهیزیه عزّت و شخصیت می‌آورد و نه برای چشم و هم‌چشمی جهیزیه‌های آن‌چنانی تهیه می‌کنند؛ بلکه از آن جایی که توان مالی بالایی دارند و خرید چنین



۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۸/۳؛ همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۳/۱۹؛ همان، ص ۱۳۱.

جهیزیه‌هایی برایشان آسان است، در جهیزیه سنگ تمام می‌گذارند.

این دسته نباید فراموش کنند که دارا بودن، دلیل بر انجام هر کاری نیست. برخی از کارهای ما فرهنگ خاصی تولید می‌کند. وقتی در یک فامیل چند نفر به جهت توان مالی خوب، جهیزیه سنگین تهیه کردند، باعث می‌شود حدّ متوسط جهیزیه را بالا ببرند؛ بدون این که چنین قصدی داشته باشند؛ اما فرهنگ، از مقوله‌هایی است که با رفتار مردم تولید می‌شود. ربطی هم به قصد کسی که این کار را انجام می‌دهد ندارد.

از بعضی‌ها وقتی می‌پرسیم که چرا برای دو نفری که می‌خواهند زندگی بکنند، بازار را می‌خواهید خالی کنید که جهیزیه برای دخترتان درست کنید؟ می‌گویند: خب ما داریم، چون داریم، می‌خواهیم بکنیم. آیا این استدلال، کافی است؟ چون داریم! نه، این استدلال به هیچ وجه کافی نیست. استدلال غلطی است. در یک جامعه همه جور انسان زندگی می‌کند. شما باید کاری کنید که آن دختری هم که ندارد، اگر خواست شوهر بکند بتواند و آنگاه این جهیزیه‌ای که شما دارید برای دخترتان درست می‌کنید، این مهریه‌ای که شما دارید به عروستان می‌دهید، این دیگر در ازدواج را برای دیگران خواهد بست. ... این روش انسانی نیست. این



روش اسلامی نیست.^۱

برای اصلاح فرهنگ اسراف در جهیزیه، همه باید دست به دست هم بدهیم. خانواده داماد توقعش را پایین بیاورد. خانواده عروس عاقلانه فکر کند و خود عروس و داماد هم واقع‌بینانه و با روحیه قناعت به سراغ جهیزیه بروند.

مادرهای عروس‌ها در تهیه جهیزیه دست نگه‌دارند، خیلی افراط و اسراف نکنند. نگویند حالا مثلاً دخترمان است، دلش می‌شکند. نه، دخترها خوبند. دخترها نمی‌خواهند و ما بی‌خود نباید دل آن‌ها را بکشانیم به این سمت که هر چیز قشنگ و لوکس و ... حتماً باید برایش تهیه شود.^۲

نگذارید جهیزیه‌ها را سنگین کنند. دخترخانم‌ها نگذارند. عروس‌ها شما نگذارید. پدر و مادرها هم اگر می‌خواهند، شما نگذارید. این همه جنس گران را می‌خواهید چه کنید؟^۳

ب) مراسم عقد و عروسی

بعد دوّم از تشریفات مراسم عقد و عروسی است؛ اما تشریفات شدن آن یکی از موانع اصلی بر سر راه تسهیل در امر ازدواج است.

در این که اعلام پیوند دو نفر از توصیه‌های دینی است، تردیدی نیست. رسول خدا ﷺ فرمود: «ازدواج را



۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۸/۵؛ همان، ص ۱۲۹.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۱۱/۱۶؛ همان، ص ۱۳۱.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۹/۲۳؛ همان، ص ۱۳۰.

آشکارا و علنی برپا کنید»^۱.

در این هم که اطعام مردم به جهت این پیوند از مستحبات است باز هم شکی وجود ندارد.
رسول خدا ﷺ فرمود:

ولیمه دادن تنها در پنج مورد است: در عرس، خُرس، عِذار، وِکاز و رِکاز. عرس هنگام ازدواج، خُرس زمان تولد فرزند، عِذار هنگام ختنه کردن، وِکاز زمان خرید خانه و رِکاز موقع بازگشت از مکه.^۲

امام خمینی قدس سره در کتاب «تحریر الوسیله» می نویسد:

ولیمه یک یا دو روز مستحب است؛ نه بیش تر؛ چرا که در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده که فرمود: «ولیمه در روز اول حق و در روز دوم کرامت است؛ اما در سه روز ریا و سُمعه^۳ است».

سزاوار است مؤمنین برای ولیمه دعوت شوند و برای آنان مستحب است دعوت را اجابت کنند و از ولیمه بخورند؛ حتی اگر کسی که به ولیمه دعوت شده روزه مستحبی داشته باشد. شایسته است هم اغنیاء و هم فقرا را دعوت کنند و تنها اغنیاء را دعوت نکنند؛ زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله

۱. الأملی طوسی، ص ۵۱۹.

۲. کتاب من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۰۲.

۳. اگر کسی کاری را انجام دهد برای این که دیگران ببینند و از آن تعریف کنند، ریا کرده است. اگر هم این کار را انجام دهد برای این که به گوش دیگران برسد، می گویند این کار را به نیت «سُمعه» انجام داده است.

فرموده است: «بدترین ولیمه‌ها آن است که اغنیاء به آن دعوت شده؛ ولی فقرا دعوت نشوند».^۱

در جریان ازدواج حضرت زهرا علیها السلام و امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز ولیمه‌ای به مؤمنان داده شد. بخشی از هزینه این ولیمه از همان مهریه‌ای بود که امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته بود.

حالا برویم سراغ جشن‌های امروزی و ببینیم تا چه اندازه با آنچه دین گفته تناسب دارد؟ چقدر از خرج‌هایی که در مراسم عقد و عروسی می‌شود، برای این نیست که مردم پشت سرمان حرفی نزنند؟ چقدر برای این نیست که در مقابل دیگران فخرفروشی کنیم؟ در چه تعداد از این مراسم‌ها فقرا هم دعوت می‌شوند؟ واقعاً هزینه‌ای که برای این مراسم‌ها می‌شود، چقدر عاقلانه است؟ آیا نمی‌شود مراسم عقد و عروسی را ساده‌تر از این برگزار کرد؟

عروسی و عقد و شادی چیز خوبی است. حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هم برای دختر مکرّمه خودشان مجلس عروسی گرفتند، شادی کردند و مردم شعر خواندند. زن‌ها دست زدند و خوشی کردند؛ اما نباید در این مجلس عقد و عروسی و این‌ها اسراف انجام بگیرد. یکی از اسراف‌ها همین مجالس عقد و عروسی گران قیمت است. در هتل‌ها،



۱. تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۳۸، مسئله ۶.

در این سالن‌های گران قیمت مجالس درست می‌کنند. مبالغ زیادی شیرینی و میوه و خوراکی حرام می‌شود، از بین می‌رود، روی زمین ریخته می‌شود و ضایع می‌گردد. برای چه؟ برای چشم و هم‌چشمی؟! برای عقب‌نماندن از قافلهٔ اسراف؟!^۱

به هزینه‌هایی که در مراسم عقد و عروسی می‌شود نگاه کنید. ببینید چه تعداد خانواده بدون این که فشاری بر آنان بیاید از عهدهٔ این مراسم‌ها برمی‌آیند؟ بگذارید در همین جا برخی از خرج‌ها را به صورت عینی بیاوریم. آنچه در ذیل می‌بینید منوی غذای یک تالار برگزاری مراسم عروسی است:

باقالا پلو با گوشت، شیرین پلو یا مُرّصع پلو با مرغ، آلبالو پلو با مرغ، برنج زعفرانی، خورشت فسنجان، خورشت نسترن، خوراک زبان، بیف استرگانف یا چیکن استروگانف، رولت گوشت یا مرغ، ران ژینگویی اسلایس شده، بوقلمون درسته یا ماهی سفید، ژینگوی گوساله با سس مخصوص، رست بیف مرغ و گوشت، خوراک یا کباب بلدرچین با سس اسپانیایی، میگو سرخ شده، بره درسته یا اسلایس شده، خوراک اردک با سس مخصوص، یک نوع چاینیز، جوجه کباب، کباب کوبیده، کباب بره یا فیله کباب، کباب مکزیکی، کباب چوبی، سالاد فصل و الویه، اردورهای مخصوص فرنگی و ایرانی مانند

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۱/۵؛ مطلع عشق، ص ۱۲۰.

(سالاد اندونزی، سالاد ایتالیایی، ماکارونی ترش، سالاد میوه مخصوص و چندین اردور متنوع) سبزیجات پخته، ماست و خیار مخصوص.

همه این غذاها در یک شب برای مهمان‌ها تهیه می‌شود. خدماتی هم که در این تالار ارائه می‌شود عبارتند از:

گل آرای میز شام، گل آرای میز میهمان، پذیرایی با اسنک بین عقد و عروسی، بازارچه سنتی، کافی شاپ، گل آرای ورودی عروس و داماد، میهمان‌دار آقا و خانم، آب‌میوه‌های طبیعی، طبق‌کشی ورودی عروس و داماد، گل آرای فضاهای مختلف مانند پله، نرده‌ها، و... بازارچه مدرن غذاهای سرد، آتش بازی، سرویس پذیرایی جدید و منحصر به فرد، فضا سازی بازارچه‌ها توسط چادرهای کوچک (سنتی و مدرن) میوه و میوه آرای، شیرینی، کیک انتخابی، حک کردن نام عروس و داماد و تاریخ مراسم بر روی وسایل مصرفی.^۱

به یکی از مراکز برگزاری مراسم عروسی ایمیلی زدم و قیمت منوهایی که در پایگاه اطلاع رسانی خود زده بود را درخواست کردم. پس از چندی پاسخ داد:

۱. این منو را از پایگاه اطلاع رسانی یکی از این تالارها آورده‌ام که در پایان منو این تذکر را هم نوشته است: «کم یا اضافه کردن غذاهای برنجی و خورش از منوی معمول قیمت را کاهش نمی‌دهد».

با سلام؛ با تشکر از تماس شما

قیمت منوهای خدمات و تشریفات مجالس در سال ۱۳۹۰

توجه*: قیمت منوها به ریال و برای هر نفر میهمان طبق منوی ارائه شده در وب سایت تشریفات و خدمات مجالس می باشد.

منوی شماره ۱ ----- ۳۵۰۰۰۰

منوی شماره ۲ ----- ۵۵۰۰۰۰

منوی شماره ۳ ----- ۸۵۰۰۰۰

منوی شماره ۴ ----- ۱۲۰۰۰۰۰

منوی وی آی پی ----- ۱۸۰۰۰۰۰

حالا خودتان حساب کنید که در ارزان ترین منوی غذای این تالار اگر شما ۳۰۰ نفر مهمان داشته باشید، چه میزان هزینه غذایتان می شود؟

این، تنها بخشی از خرج مراسم است؛ شما باید به این هزینه‌ها هزینه لباس عروس، کت و شلوار داماد، آرایش عروس و اصلاح سر و صورت داماد، ماشین عروس و تزئین آن، دسته گل عروس، فیلم برداری و عکاسی را هم اضافه کنید. برای این که هزینه سرسام آور این اقلام هم ملموس شود، به بخشی از این هزینه‌ها به صورت رقمی اشاره می کنیم:^۱

۱. این قیمت‌ها را به نقل از یک سایت خبری آورده‌ام که تاریخ انتشار خبر مربوط به تیر ماه ۱۳۸۷ است. برخی از این هزینه‌ها امروز به بیش از دو برابر



نرخ ورودی تالارهای پذیرایی بین ۱۰۰ هزار تا یک میلیون تومان است؛ این در حالی است که نرخ ورودی باغ‌ها و ویلاها بین ۳۰۰ هزار تا یک میلیون تومان است. قیمت غذای تالارهای پذیرایی با توجه به تعداد و تنوع غذا، کیفیت آن، تعداد دسر و ... برای هر نفر از ۱۵۰۰ تومان شروع شده و به ۸۰ هزار تومان می‌رسد. ارائه و طبخ غذاهایی از جمله بره‌بریان، بوقلمون یا غذاهای مخصوص کشورهای اروپایی و آسیای شرقی از جمله عواملی است که باعث افزایش قیمت غذا می‌شود.

هزینه‌های مربوط به عکاسی، فیلم‌برداری و آتلیه عروسی بین ۲۰۰ هزار تا پنج میلیون تومان است. این مبلغ بستگی زیادی به نوع فیلم‌برداری دارد. هرچه تعداد دوربین‌هایی که از مراسم، فیلم‌برداری می‌کند، بیش‌تر باشد قیمت‌ها نیز بالاتر می‌رود. هم‌چنین نوع فیلم‌برداری یکی از عوامل تعیین‌کننده قیمت است. به عنوان مثال هزینه فیلم‌برداری از مراسم ازدواج توسط هلی‌کوپتر در هر ساعت مبلغی حدود یک میلیون و ۷۰۰ هزار تومان است. هزینه استفاده از گروه موسیقی و ارکستر در مراسم ازدواج با توجه به شهرت، تجربه و مهارت گروه از ۱۵۰ هزار تومان شروع شده و به سه میلیون تومان برای یک



شب می‌رسد.

در حال حاضر هزینه کرایه سفره عقد در ساده‌ترین مدل و شکل آن حدود ۵۰ هزار تومان است. این مبلغ برای کرایه سفره‌های معروف به سفره‌های آبشاری به حدود ۲۰۰ هزار تومان افزایش می‌یابد. این قیمت‌ها با توجه به سفارش و درخواست سفره‌های خاص ممکن است به یک میلیون تا دو میلیون تومان هم برسد. ارائه خدماتی چون گل‌آرایی، سفره‌آرایی، میوه‌آرایی، شمع‌آرایی، بادکنک‌آرایی و نورافشانی از جدیدترین خدماتی است که طی چند سال اخیر با تقاضای بالایی مواجه شده و مشتریان خاص خود را پیدا کرده است. هزینه این خدمات، رابطه مستقیمی با تعداد، تنوع و قیمت گل، میوه و... دارد، به عنوان مثال هزینه گل‌آرایی برای هر ۱۰۰ نفر حدود ۵۰ هزار تومان است. هزینه کرایه یک پکیج کامل شامل میز، صندلی کاوردار، ظروف و... برای هر نفر بین ۱۵۰۰ تا ۲۵۰۰ تومان است.

قیمت خرید لباس عروس در مناطق مرکزی و جنوبی شهر بین ۱۵۰ هزار تا یک میلیون تومان است؛ در حالی که این مبلغ در مراکز شمالی شهر بین ۵۰۰ هزار تا هفت میلیون تومان است. هم‌چنین قیمت کرایه انواع مختلف لباس عروس در مناطق شمالی شهر از ۳۰۰ هزار تومان شروع شده و به دو میلیون تومان می‌رسد؛ در حالی که در



مناطق جنوبی و مرکزی شهر با پرداخت مبلغی بین ۵۰ تا ۲۵۰ هزار تومان می‌توان یک لباس عروس را کرایه کرد.^۱ کرایه اتومبیل برای برگزاری مراسم ازدواج از تفاوت چشم‌گیری برخوردار است. قیمت کرایه اتومبیل‌هایی چون پراید، پژو ۲۰۶ و پرشیا در هر ساعت بین پنج تا ۱۵ هزار تومان است؛ در حالی که این مبلغ برای کرایه اتومبیل‌های قدیمی یا خودروهایی چون بنز به ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار تومان می‌رسد. همچنین قیمت کرایه درشکه بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار تومان است.

هزینه گل‌آرایی ماشین عروس بدون احتساب قیمت گل نیز بین ۱۰ تا ۵۰۰ هزار تومان است. قیمت دسته گل عروس نیز از ۲۵ هزار تومان شروع شده و به ۲۵۰ هزار تومان می‌رسد.

قیمت هر جفت حلقه در ساده‌ترین شکل آن حدود ۱۰۰ هزار تومان است. این مبلغ برای تهیه حلقه‌های گران‌قیمت و سفارشی به ۲۰ میلیون تومان می‌رسد.

۱. «بعضی‌ها لباس عروس گران قیمت می‌خرند. نه! چه لزومی دارد؟ حالا لباس عروس می‌خواهند، بعضی‌ها لباس عروس را می‌روند کرایه می‌کنند. چه مانعی دارد؟ ننگ دارد؟ نه! چه مانعی دارد؟ بعضی‌ها این را ننگ می‌دانند. ننگ این است که انسان یک پول گزافی بدهد، یک چیزی بخرد که یک بار آن را مصرف کند، بعد بیاندازد دور. یک بار مصرف! آن هم با این وضعی که بعضی مردم دارند. بعضی‌ها واقعاً نیاز دارند». بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۱۰/۴؛ مطلع عشق، ص ۱۲۳.



کمترین هزینه برای تهیه یک سرویس طلا شامل دست‌بند، گردن‌بند و گوشواره در ساده‌ترین شکل حدود ۵۰۰ هزار تومان است و نمی‌توان سقف قیمت برای یک سرویس طلا تعیین کرد؛ چرا که قیمت‌ها در این بخش ارتباط مستقیمی با تعداد و وزن جواهراتی دارد که در ساخت سرویس مورد استفاده قرار گرفته است.

در حال حاضر حداقل هزینه مربوط به آرایش عروس در تهران حدود ۷۰ هزار تومان است. این مبلغ در برخی از آرایشگاه‌های تهران تا سقف دو میلیون تومان نیز افزایش می‌یابد. هزینه اصلاح و آرایش داماد بین پنج تا ۳۰۰ هزار تومان است.

قیمت کارت‌های دعوت عروسی از ۵۰۰ تومان شروع شده و به ۵۰۰۰ تومان می‌رسد. همچنین قیمت آینه و شمعدان در ساده‌ترین شکل آن حدود ۱۰۰ هزار تومان است. این مبلغ برای آینه و شمعدان‌های طلا و نقره به چندین میلیون تومان می‌رسد.

اسراف نباید بشود. اسراف اگر شد، هم به خودتان ضربه زده‌اید هم به مردم دیگر. هم به جوان‌ها و دخترها و پسرها ضرر زده‌اید و هم خودتان را از چشم پیامبر اسلام ﷺ انداخته‌اید، از چشم امام زمان ﷺ انداخته‌اید.



عروسی شیرین، آن عروسی ای نیست که توی آن خیلی خرج می‌شود. عروسی شیرین، عروسی صمیمانه است. صمیمانه که بود، عروسی شیرین می‌شود؛ ولو مختصر باشد. یک اتاق دو اتاق توی خانه، قوم و خویش، دوست و آشنا و رفیق دور هم بنشینند این می‌شود عروسی. این مهمانی‌های مفصل و سالن‌های آن‌چنانی یا توی هتل‌ها، خرج‌های زیاد، جنس‌های گران برای مهمانی، این‌ها هیچ مناسب نیست. نمی‌گویم ازدواج را باطل می‌کند، نه! ازدواج درست است؛ اما این‌ها محیط جامعه و محیط زندگی را تلخ می‌کند.^۱

بدون تردید بسیاری از هزینه‌هایی که امروز برای مراسم عقد و عروسی پرداخت می‌شود مورد تأیید دین نیست که هیچ، با عقل سالم بشری هم جور در نمی‌آید. کدام عقل سالم می‌گوید که میلیون‌ها تومان هزینه کن تا مراسم عروسی‌ات را در کشتی مجللی در استانبول یا باکو برپا کنی؟ آیا انسان عاقل می‌پذیرد به جای ماشین عروس، هواپیما یا کشتی و یا بال‌گرد کرایه کند و بابت آن میلیون‌ها تومان خرج کند؟ مگر کالسکه‌ای که با اسب سفید رانده می‌شود، چه بخشی از خوش‌بختی را برایت به ارمغان می‌آورد که این اندازه برایش پول می‌دهی؟ آیا با این اسراف‌ها می‌توان آبرو و عزت کسب کرد؟



۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۷/۹/۱۲؛ همان، ص ۱۲۰.

مگر کسانی که با تجمل، عروس و داماد می‌شوند، از کسانی که ساده عروس و داماد می‌شوند خوش‌بخت‌ترند؟ چه کسی می‌تواند چنین چیزی را ادعا کند؟ این کارها جز این که یک عده جوان را، یک عده دختر را حسرت به دل کند و زندگی را بر این‌ها تلخ نماید، اگر نتوانستند آن جور آن‌ها هم عروسی بگیرند تا ابد حسرت به دل بمانند یا اصلاً نتوانند عروسی بگیرند، چیزی دیگری نیست... تا آمدند دخترش را بگیرند، چون دستش خالی است، این دختر بماند توی خانه. این پسر دانش‌جو یا کارگر یا کاسب ضعیف، همین‌طور غیرمتأهل بماند.^۱

بعضی خیال می‌کنند که تشریفات و توی هتل چنین و چنان رفتن، سالن‌های گران گرفتن، خرج‌های زیادی کردن، عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر را زیاد می‌کند. نخیر عزت و شرف و سربلندی دختر و پسر به انسانیت و تقوا و پاک‌دامنی و بلند نظری آن‌ها است؛ نه به این چیزها.^۲

شاید برخی بگویند این نوع خرج‌ها در میان همه مردم نیست؛ پس نباید این اندازه نگران بود.

بنده هم قبول دارم بسیاری از مردم اهل این خرج‌ها نیستند؛ ولی این نوع هزینه‌کردن‌ها چند عیب عمده دارد:

اول: این هزینه‌ها مصداق بارز اسراف است. زندگی

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۳/۹/۲۳؛ همان، ص ۱۲۲.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۵/۱۱؛ همان، ص ۱۲۱.



کسانی که مراسم ازدواجشان این گونه است، با یک حرام بزرگ آغاز می‌شود.

بعضی از مردم با این کاری که می‌شود با آن ثواب بُرد، گناه می‌برند. با اسراف‌هایی که می‌کنند، با خلاف‌هایی که انجام می‌دهند، با آمیختن این عمل حسن و حسنه به کارهای حرامی که انجام می‌دهند. حرام همه‌اش این نیست که محرم و نامحرم و این چیزها باشد. آن‌ها هم البته حرام است؛ اما ریخت و پاش زیادی هم حرام است. اسراف حرام است. سوزاندن دل مردمی که ندارند، در مواردی واقعاً حرام است. زیاده‌روی کردن، حرام و حلال کردن برای این که بتواند جهیزیه دخترش را فراهم کند، این‌ها حرام است.^۱

دوم: این نوع مراسم‌ها پای رقابت را به میان می‌کشد و همین طور حدّ متوسط مراسم را بالا می‌برد. به عنوان نمونه تا چند سال پیش، یک نوع غذا دادن در بیش‌تر مراسم‌های عقد و عروسی امری معمولی بود؛ اما در حال حاضر کم‌تر مراسمی پیدا می‌شود که با یک نوع غذا از مهمانان پذیرایی کنند. این نشان می‌دهد حدّ متوسط مراسم‌ها رو به افزایش است.

تجمّلات برای یک جامعه، مضر و بد است. آن کسانی که با تجمّلات مخالفت می‌کنند، معنایش این نیست که از لذّت‌ها و



۱. بیانات مقام معظم رهبری؛ ۱۳۷۶/۱۱/۹؛ همان، ص ۱۱۹.

خوشی هایش بی اطلاعند. نه! آن را کاری مضر برای جامعه می‌دانند؛ مثل یک دارو یا خوراکی مضر. با تجمّلات زیادی، جامعه زیان می‌کند؛ البته در حدّ معقول و متداول ایرادی ندارد؛ اما وقتی که همین طور مرتّب پای رقابت و مسابقه به میان آمد، اصلاً از حدّ خودش تجاوز می‌کند و به جاهای دیگر می‌رود.^۱

سوم: برپایی این نوع از مراسم‌ها تعریف جدیدی از خوش‌بختی و بدبختی ارائه می‌دهد که موجب می‌شود برخی از پسران و دخترانی که خانواده‌شان توانایی برگزاری چنین مراسم‌هایی را ندارند، احساس کمبود کنند.

بنده راضی نیستم از کسانی که با خرج‌های سنگین و با اسراف در امر ازدواج، کار را بر دیگران مشکل می‌کنند؛ البته با جشن و شادی و مهمانی موافقیم؛ ولی با اسراف مخالفیم.^۲

چقدر دخترها و پسرها که اگر ازدواج هم می‌کنند به خاطر بی‌بند و باری پول‌دارها، احساس کمبود می‌کنند، احساس غصّه می‌کنند، احساس عقده می‌کنند. فکر می‌کنند چیزی کم دارند. احساس سرکوفت می‌کنند.^۳

چهارم: اسراف در این مراسم‌ها موجب می‌شود کسانی که توان اقتصادی پایینی دارند، به سراغ ازدواج نروند و این

۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۴/۲۰؛ همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲؛ همان.

۳. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۵؛ همان.



گناه بزرگی است.^۱ اگر من با نوع خاصی از مراسم گرفتن، فرهنگی را در ازدواج ایجاد بکنم که دیگر هر کسی نتواند پا در وادی ازدواج بگذارد، از مصادیق بارز کسانی هستم که در مقابل راه خدا و کار خیر مانع تولید کرده و باید پاسخگو باشم.

من گمان می‌کنم آن کسانی که با مجالس و محافل سنگین، با مهریه‌ها و جهیزیه‌های سنگین کار را بر دیگران مشکل می‌کنند، حسابشان پیش خدا خیلی سخت است. نمی‌شود بگویند که آقا ما پول داریم، می‌خواهیم بکنیم، چون داریم. این از آن حرف‌های غلطِ روزگار است. داریم که دلیل نشد. انسان وقتی دارد، کاری بکند که دیگران نتوانند هیچ اقدامی بکنند، این درست است؟ جوان‌ها جرأت نکنند بروند طرف ازدواج. نباید کاری بشود افرادی که نمی‌توانند، افرادی که دلشان نمی‌خواهد، خلاف فکرشان هست، خلاف نیتشان هست، نتوانند ازدواج کنند.^۲

پنجم: گذشته از تبعات این ازدواج برای مردم کم درآمد، اصلاً چه دلیل عقلی برای این همه خرج بیهوده وجود دارد؟ با برپایی این مجالس، نه تنها نمی‌توانید مردم

۱. رسول خدا ﷺ فرمود: «کسی که روش نیکی را بنیان نهد، اجر آن سنت و اجر هر کسی که به آن سنت عمل کند به او داده می‌شود و هر کس که روش بدی را بنیان نهد، عقوبت آن سنت و عقوبت هر کسی که به آن عمل می‌کند بر عهده او است.» *الفصول المختاره*، ص ۱۳۶.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۵/۲۴؛ *مطلع عشق*، ص ۱۲۲.

را راضی نگه دارید؛ خدا را هم از دست خودتان خشمگین می کنید. فکر می کنید بعد از آن که مردم از مجالس شما به خانه شان بازگشتند، فقط از مجلس شما تعریف خواهند کرد؟ خودتان بهتر از هر کس دیگر می دانید که این طور نیست.

با اندکی از این هزینه به جای این که انسان خشم خدا را به سوی خود جلب کند، می تواند آخرت خود و فرزندانش را تأمین کرده و دعای خیر مردمی را به دنبال خود بیاورد. مگر نگفته اند در ولیمه باید فقرا هم شریک باشند. چه خوب است به جای این که هزینه های سرسام آور برای چند نفر محدود خرج کنیم، چند برابر آن افراد را با هزینه ای کم تر و غذایی ساده تر مهمان ولیمه خود کنیم که در میان آن ها فقرا هم باشند. من نمی گویم فقرا را به تالار دعوت کنید؛^۱ بلکه می توان غذایی تهیه کرد و به درب منزل فقرا یا مؤسسه های خیریه برد.

اسراف کاری و زیاده روی و ... این کارها را نکنید. به مصلحت نیست. شارع مقدس هم راضی نیست. شما هم یک زحمت بی خودی به خودت می دهی. عوض این همه خرج کردن، یک دهمش را به یک مستحق بدی، یک عالم ثواب بگیری. مگر دیوانه اند این هایی که این همه خرج

۱. البته دعوت کردنشان هم بد نیست.

می‌کنند؛ بدون ثواب، بدون اجر، بدون رضای الهی؛ حتی بدون رضای مردم؟ مردم همه راضی نمی‌شوند از آدم. ... خدا را راضی کنید.^۱

در پایان، توصیه‌ای به همه آن‌هایی که تنها به جهت این که از این قافله عقب نیفتند خودشان را به آب و آتش می‌زنند تا بتوانند مراسم ازدواجشان را آن‌چنانی برگزار کنند!

پدران بزرگوار! مادران محترم! جوانان عزیز! بیایید مراسم ازدواج خود را به گونه‌ای برپا کنید که در مقابل کسانی که اسراف را فرهنگ کرده‌اند، سادگی و صمیمیت را تبدیل به فرهنگ کنید. چرا باید این اندازه خودتان را به خرج بیاندازید و قرض کنید تا با دیگران رقابت کنید؟

ما به آن‌هایی که ندارند نصیحت می‌کنیم که به عرب و عجم متوسل نشوند که پول قرض کنند برای این که آبرویشان را به قول خودشان بخرند! آبرو چیست؟ این آبرو است؟ اگر چشم را باز کنیم، این آبرو نیست. بعضی‌ها خودشان را قرض‌دار می‌کنند، برای این که بتوانند مثلاً آبرومند از آب در بیاورند! بی‌خود و بی‌جهت.^۲

بیایید خودمان رقابت جدیدی را تولید کنیم. چرا در



۱. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۴/۲/۱۹؛ همان.

۲. بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵/۱۰/۵؛ همان، ص ۱۲۱.

مسابقه‌ای که دیگران طرحش را ریخته‌اند شرکت کنیم؟
مسابقه‌ای را طراحی می‌کنیم و دیگران را به آن دعوت
می‌کنیم؛ مسابقهٔ سادگی، قناعت، بی‌توجهی به حرف مردم،
جلب رضای الهی و





کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

آسان گیری در ازدواج و سوء برداشتها

شما می گوئید ازدواجها را آسان بگیریم؛ اما من در ازدواج فرزندانم آسان گرفتم و نتیجه عکس داد. وقتی آسان می گیریم، فکر می کنند که دخترمان روی دستانمان مانده است. به نظر من باید اصولی برخورد کرد؛ نه این که آسان گرفت.

اول: باز هم قاعده ساختن از شکستها و پیروزیها

چندین بار گفته شد که از شکستها و پیروزیها قاعده نسازیم. این که شما آسان گرفته اید و نتیجه عکس داده است، دلیل نمی شود هر کس دیگری هم که آسان بگیرد، ضرر می کند. باید به دنبال علت شکست بود.

دوم: در انتخاب سخت گیر باشید؛ پس از انتخاب، آسان بگیرید

ما در انتخاب همسر معتقدیم باید سخت گرفت نباید به راحتی انتخاب کرد و هر کسی که به دلمان نشست را برگزینیم. باید معیار داشت، باید معیارها را در طرف مقابل

جستجو کرد، باید مشاوره و تحقیق نمود. آسان گرفتن یعنی این که معیارهایی را که ربطی به خوش‌بختی و بدبختی ندارد، کنار بگذاریم. بارها درباره معیارهای این چنینی سخن گفته‌ایم؛ مثل قیافه، شغل پدر، تعداد جمعیت خانواده طرف مقابل، حساسیت افراطی نسبت به تحصیلات، حساسیت‌های اقتصادی و ... این‌ها است که امر ازدواج را سخت می‌کند. ما بارها گفته‌ایم که در حلال و حرام الهی اهل سخت‌گیری باشید و به این راحتی با کسی که نسبت به واجبات و محرّمات تقید ندارد ازدواج نکنید. در تشخیص معیارها هم سخت‌گیر باشید و تنها به حرف زدن عادی بسنده نکنید، حتماً تحقیق کنید، آن هم تحقیقی که نتیجه‌اش شناخت واقعی باشد، اگر می‌توانید، حتماً با هم به یک مشاور متعهد مراجعه کنید. در این گونه موارد اهل تساهل و تسامح نباشید.

وقتی انتخاب را به صورت دقیق انجام دادید، در مراحل بعدی ازدواج باید آسان بگیرید؛ در مهریه، مراسم عقد و عروسی، جهیزیه و ...

سوم: آسان‌گیری، محکی خوب برای سنجش فرهنگ

این که برخی از انسان‌هایی که فرهنگشان پایین است، با آسان‌گیری خانواده دختر برداشت‌های بد می‌کنند، قابل انکار نیست؛ اما این کار، خود محک خوبی برای تشخیص



میزان فهم خانواده‌ای است که شما می‌خواهید با آن‌ها وصلت کنید. اگر خانواده‌ای به جهت آسان‌گیری شما چنین برداشتی کرده و دیگر به سراغ دخترتان نمی‌آید، خیلی خوب است؛ چرا که شما به همین وسیله، خانواده‌ای را که از سطح فرهنگی پایینی برخوردار است، کنار زده‌اید. وقتی دیگران سخت‌گیری معقول شما را در امر انتخاب دیده و در امور دیگری که ربطی به خوش‌بختی و بدبختی ندارد، آسان‌گیری شما را می‌بینند، خیلی باید فهمش پایین باشد که متوجه نشود، شما به جهت درک و درایت بالا در این امور آسان می‌گیرید. علاوه بر این شما می‌توانید در جلسات خواستگاری؛ به ویژه وقتی که ازدواج در حال شکل گرفتن است؛ مثل جلسه مهر برون یا بله برون، با خانواده طرف مقابل درباره فلسفه آسان گرفتن ازدواج صحبت کنید؛ یعنی تنها به فهم خانواده طرف مقابل اعتماد نکنید.

شاید برخی بگویند ما همه این مراحل هم طی می‌کنیم؛ اما وقتی که دختر و پسر در طول زندگی به مشکل برمی‌خورند، پسر به دختر می‌گوید تو روی دست مادرت مانده بودی که این قدر آسان تو را به من داد، یا این که می‌گویند وقتی پسر دختر را آسان به دست آورد، قدر او را نخواهد دانست.



در پاسخ به این شبهه باید گفت پسری که این اندازه فهم پایینی دارد، اگر سخت هم بگیرد چیز دیگری می‌گوید؛ یعنی پسری که آسان‌گیری را حمل بر بی‌ارزشی می‌کند، سخت‌گیری را هم حمل بر بازارگرمی می‌کند و در اختلافات به همسرش می‌گوید: «خوب است تحفه‌ای هم نبودی که این اندازه در راه ازدواج با تو به ما سخت گرفتند». کسی که فهمش پایین است با سخت‌گیری مشکل‌نیش و کنایه‌اش را نمی‌توان حل کرد. باید درست انتخاب کرد. پسری را که فهم و درک او بالا است انتخاب کنید تا دیگر این مشکلات پدید نیاید.

این هم که می‌گویند اگر به آسانی دختر را به دست آورند، دیگر قدر او را نخواهند دانست حرف اشتباهی است. بسیاری از کسانی هم که به سختی دختر را به دست می‌آورند، با او دچار اختلافات جدی می‌شوند. برخی از این‌ها به شدت عقده‌ای و کینه‌ای شده و از این که برای به دست آوردن چنین همسری که چنگی به دل نمی‌زند، این اندازه سختی کشیده‌اند خود را بازنده می‌پندارند. همین احساس، آن‌ها را آزار داده و نتیجه این آزار روحی هم در رفتار ایشان با همسر، نمایان می‌شود.

راه‌کار اصلی، سخت‌گرفتن در معیارهای اصلی و تشخیص آن‌ها و آسان‌گرفتن در مسیر ازدواج پس از



تشخیص کفویت است؛ البته باید دختر و پسر ما درست
زندگی کردن را هم یاد بگیرند تا بتوانند با اختلافات
کم‌تری در کنار هم زندگی کنند.



گامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

تبعات دوران عقد طولانی

شما هم مانند بسیاری از مشاوران دیگر یکی از راه‌های تسهیل در امر ازدواج را عقد طولانی مدّت معرفی می‌کنید؛ اما بعضی می‌گویند به دلیل شکسته شدن حرمت‌ها و یا از بین رفتن لذّت ازدواج، نباید دوران عقد طولانی باشد. نظر شما چیست؟

اول: فلسفه دوران عقد

یکی از اصلی‌ترین فلسفه‌های دوران عقد، شناخت طرف از یکدیگر است. از آن جایی که دختر و پسر در دوران عقد به جهت محرم بودن ارتباط راحت‌تری با هم دارند، شناخت بهتر و کامل‌تری نسبت به هم پیدا می‌کنند؛ پس اصل این که دختر و پسر مدّتی را به عنوان دوران عقد با هم باشند را لازم و ضروری می‌دانم.

دوم: راه‌کاری برای تسهیل و تسریع در امر ازدواج

شرایط موجود در جامعه سنّ ازدواج را بالا برده؛ یکی از این دلایل که از اصلی‌ترین‌ها هم می‌باشد، امور اقتصادی



است.

بدون تردید یکی از اصلی‌ترین راه‌های تسهیل در امر ازدواج که کاری انقلابی است، ازدواج کردن قبل از مهیا شدن شرایط معمولی؛ اما با عقدهای طولانی مدت است.

سوم: طولانی شدن عقد و شکسته شدن حرمت‌ها

در همین جا برای پدران و مادران پرسشی پیش می‌آید و آن، این که وقتی دوران عقد طولانی می‌شود، حرمت‌ها شکسته می‌شود.

یکی از دلایل اصلی از بین رفتن حرمت‌ها در دوران عقد، به ویژه عقدهای طولانی مدت رعایت نکردن آداب معاشرت است. در این جا به چند مصداق اشاره می‌کنیم تا بحث کمی ملموس‌تر شود و باقی را به خود شما واگذار می‌کنم.



۱. برخی از دختران و پسران وقتی ازدواج می‌کنند، فراموش می‌کنند که در خانه پدری‌شان دختران و پسران مجرد دیگری هم وجود دارد که برای رعایت حال آن‌ها باید حدودی را مراعات کرد؛ اما فارغ از این مسئله به گونه‌ای با هم ارتباط برقرار می‌کنند که بسیاری از پدران و مادران بزرگوار به جهت تأثیر مخربی که این نوع رابطه بر فرزندان مجردشان دارد، نگران می‌شوند.

۲. برخی از پدران و مادران به جهت تعصباتشان میزان

رابطه دختر و پسر را در دوران عقد بسیار تنگ و محدود تعریف می‌کنند؛ مثلاً هر وقت پسر می‌خواهد دختر را ببیند، تنها راه آن این است که به خانه پدر دختر برود و در حال یا پذیرایی در حالی که پدر و مادر و برادر و خواهر دختر نشسته‌اند او را ببیند و اگر حرفی هم دارد بزند و برگردد. او نمی‌تواند توقع داشته باشد با دختر در اتاقی تنها صحبت کند یا این که او را با خود بیرون برده و چند قدمی با هم پیاده‌روی کنند. همین‌ها زمینه برخی گستاخی‌ها را فراهم می‌کند و رابطه‌ها را به هم می‌ریزد.

۳. گاهی هم پسر ملاحظه حال پدر و مادر دختر را نمی‌کند و در حالی که می‌داند حضور او در خانه پدر همسر مشکلات و تنگناهایی را برای آن‌ها فراهم می‌کند، شبانه روزی ۲۵ ساعت در خانه پدرخانم به سر می‌برد!

ما اگر آداب معاشرت را در دوران عقد رعایت کنیم، دلیلی ندارد که حرمت‌ها شکسته شود.

یکی دیگر از دلایل این که ما نمی‌توانیم دوران عقد را به خوبی تحمل کرده و به سلامت طی کنیم، نپذیرفتن شرایط غیرعادی است. ما باید بپذیریم شرایط، عادی نیست. دشمن در حال جنگ با ما است. یکی از اصلی‌ترین حربه‌های او برای مقابله با ما شهوت است. یکی از اصلی‌ترین راه‌های مبارزه با هوا و هوس هم ازدواج است. ازدواج در جامعه ما



الآن در حکم مبارزه است. هر کسی قدمی در راه تسهیل ازدواج جوانان بردارد مطمئن باشد که کار مقدّسی انجام داده و بدون تردید این کار، مبارزهٔ جانانه‌ای با تهاجم فرهنگی دشمن است.

چهارم: عدم ضرورت عقد طولانی در شرایط مناسب

اگر برای کسی به صورت عادی شرایط ازدواج فراهم شد و برای تشکیل زندگی مشترک هم مشکل جدّی و خاصی نداشت، لازم نیست دوران عقد طولانی داشته باشد. همین اندازه که در دوران عقد به شناخت کافی رسیده و از انتخاب خود مطمئن شدند، بهتر است زودتر زندگی مشترک خود را آغاز کنند.



مصادیق معیارهای درجه یک

وقتی که ملاک‌های متداول جوانان را یکی پس از دیگری غیرمنطقی معرفی می‌کنید، حتماً ملاک‌هایی را به عنوان ملاک‌های منطقی قبول دارید. برای این که بحثتان کاربردی‌تر شود، بهتر است ملاک‌های منطقی یا به قول خودتان همان معیارهای درجه یک را هم معرفی کنید.

این درخواست، کاملاً معقول و منطقی است. با توجه به این که شنوندگان محترم رادیو معارف از قشر مذهبی و پای‌بند به ارزش‌های اسلامی هستند، بنده در این جا ملاک‌هایی را نام می‌برم که در انتخاب این قشر جامعه کارساز است.

معیارهای درجه یک، برای شوهر خوب

الف) داشتن دغدغه انجام واجبات و ترک محرمات.

کلمه «دغدغه» در این جا از عمد استفاده شده است. توقع این که شوهر، هیچ واجبی را ترک نکند و هیچ حرامی را مرتکب نشود، توقع درجه‌ای از عصمت است. همین اندازه که دغدغه



داشته باشد، کافی است؛ یعنی از این که مرتکب گناهی شده دردمش بیاید؛ نه این که گناه کند و به اصطلاح خودمانی ککش هم نگزد. باید دین داری را بر همه ملاک‌ها حاکم کرد. در میان واجبات، صداقت و امانت‌داری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ب) توجه به لقمه حلال

اگر چه این ویژگی در نکته اول هم نهفته بود؛ اما به جهت اهمیت ویژه‌ای که دارد، آن را به صورت مجزاً آوردیم؛ البته از آن جا که درباره لقمه حرام و تأثیر آن در زندگی به صورت مستقل سخن گفته‌ایم،^۱ در این جا به همین نکته بسنده می‌کنیم که مرد باید دغدغه آوردن لقمه حلال بر سفره خانواده را داشته باشد و به هیچ وجه در این زمینه کم‌کاری نکند.



ج) اهل خانواده‌داری باشد

برخی از مردان، بسیار خودخواهانه ازدواج می‌کنند و دوست ندارند پس از ازدواج از حال و هوای مجردی بیرون بیایند. دل بستن به خانواده و توجه به نیازهای آن را نوعی حقارت دانسته و بزرگی خود را در بی‌توجهی به امور خانواده جست و جو می‌کنند. مرد باید خانواده را محور اصلی برنامه‌های

۱. ر.ک: تا ساحل آرامش، ج ۱، گام چهارم.

زندگی خود قرار دهد؛^۱ البته نمی‌گوییم مرد صبح تا شب در خانه بنشیند. مردی که در طول روز تلاش می‌کند تا لقمه نانی برای فرزندانش پیدا کند، در خدمت خانواده بوده و به تعبیر روایات مانند مجاهد فی سبیل الله است.^۲

یکی از ویژگی‌های مهم مردان اهل خانواده، خوش اخلاقی آن‌ها است. کسی به امام رضا علیه السلام نامه نوشت که فردی از دخترم خواستگاری کرده؛ اما در اخلاقش مشکل دارد. حضرت در پاسخ نوشت: «اگر بد اخلاق است، دخترت را به ازدواجش درنیاور».^۳

د) شخصیت مستقل داشته باشد

مردی که نتواند به صورت مستقل تصمیم‌های زندگی‌اش را بگیرد ناقص است. مردانی که در تصمیم‌گیری‌ها جسارت لازم را نداشته و تنها چشم به دهان دیگران دوخته‌اند تا آن‌ها برایشان تعیین تکلیف کنند، نقطه اتکای محکمی برای خانواده‌هایشان نمی‌توانند باشند.

هـ) حفظ حریم با نامحرم

مرد قابل اعتماد در ارتباط با زنان نامحرم، هرزه عمل

۱. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آگاه باشید که بهترین شما بهترین برای خانواده‌تان است و من بهترین شما برای خانواده‌ام می‌باشم». وسائل

الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

۲. الکافی، ج ۵، ص ۸۱.

۳. همان، ص ۵۶۳.



نمی‌کند. بسیاری از مشکلات زن و شوهر از وقتی شروع می‌شود که نگاه مرد از حرام پُر می‌شود و دیگر نمی‌تواند به همسرش دل خوش کند. اگر محدوده نگاه در گذشته، نگاه به زنان در کوچه و خیابان بود، امروزه محدوده نگاه فراتر از این رفته و به عکس و فیلم هم با این دامنه‌ای که در رسانه وجود دارد رسیده است.

(و) داشتن ملاک مشخصی برای زندگی

برخی به قول قدیمی‌ها حزب بادند. باد به هر جهت که بوزد، آن‌ها هم به همان سو می‌روند؛ بی آن که ملاک مشخصی برای زندگی داشته باشند. زندگی با این افراد بسیار سخت است.



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

معیارهای درجه یک، برای زن خوب

معیارهای درجه یک برای مردانی که می‌خواهند همسر خود را انتخاب کنند، عبارتند از:

الف) داشتن دغدغه انجام واجبات و ترک محرمات

این معیار در زن هم باید باشد. مرد و زن در این معیار با هم فرقی ندارند. رسول خدا ﷺ فرمود:

کسی که تنها برای زیبایی زنی با او ازدواج کند، در آن زن آنچه دوست دارد، نخواهد دید و اگر کسی به طمع مال زن با او ازدواج کند، خدا او را به آن مال وامی‌نهد. بر شما باد

ازدواج با دین داران.^۱

ب) عفاف

یکی از نشانه‌های سلامت روانی زن آن است که در ارتباط با مردان نامحرم از حریم عفاف خود مثل جانش مراقبت کند. بحث ما در این جا از بُعد شرعی نیست. کسانی هم که تقید آن چنانی به امور شرعی ندارند باید بدانند یکی از ویژگی‌های زن قابل اعتماد آن است که حریم عفاف خود را به هیچ قیمتی نفروشد. خیلی صریح می‌گویم زنی که نگران زیبایی خود در مقابل مردان نامحرم است، به میزان نگرانی‌اش، نقص شخصیتی دارد. زنانی که از روح و روان سالمی برخوردارند، فقط نگران پوشش خود در مقابل نامحرم هستند؛ نه زیبایی خود.

ج) علاقه به همسری و مادری

زن باید به مادر شدن و همسر شدن علاقه داشته باشد؛ نه این که از روی اجبار غریزی، همسر شدن و مادر شدن را انتخاب کرده باشد. برخی از زنان وقتی ازدواج می‌کنند، همسررداری و فرزندداری را مانع رشد خود می‌بینند و اصلاً حس خوبی نسبت به ماندن در خانه ندارند. از همین رو هم انگیزه‌ای برای این کارها ندارند. این زنان نمی‌توانند وظیفه خطیر مادری و همسری را با اشتیاق

۱. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۳۹۹.



انجام دهند.

د) پذیرش مدیریت

بدون تعارف باید گفت که خانه نیازمند مدیر است. کسی که حرف آخر را بزند. این که می‌گویند خانه باید بر اساس مشورت دو طرفه اداره شود، حرف خوبی است؛ اما در همه موارد قابل اجرا نیست. در بسیاری از تصمیم‌گیری‌ها دو طرف با هم مشورت می‌کنند؛ اما به نتیجه‌ای نمی‌رسند. در این موارد باید کسی حرف آخر را بزند. حالا ممکن است مردی بگوید من این تصمیم‌گیری را بر عهده همسر می‌گذارم؛ اما باید دانست به صورت طبیعی مدیریت خانه بر عهده مرد است. روحیه مرد هم با این مدیریت هم‌خوانی دارد. زنان هم به صورت طبیعی دوست دارند زحمت تصمیم‌گیری به عهده شوهرشان باشد. ما این حرف را از زنان زیادی شنیده‌ایم که دوست داریم زحمت تصمیم‌گیری زندگی را بر عهده مردانمان بگذاریم. در مواردی که مردان تصمیم‌گیری را از سر اجبار بر عهده همسرانشان می‌گذارند، رابطه عاطفی‌شان با آن‌ها کم‌رنگ می‌شود.^۱



۱. می‌دانم برخی می‌گویند: «در مواردی زن قدرت تصمیم‌گیری بهتری نسبت به مرد دارد». این مسئله قابل کتمان نیست؛ ولی بهتر است زن با کسی ازدواج کند که از نظر مدیریتی بتواند به او اتکا کند؛ زیرا زن به صورت طبیعی نیازمند اتکای به همسر است. اگر مرد قابلیت این اتکا را نداشته باشد، ممکن است مشکلاتی در ارتباط آنان تولید شود.

در همین جا باید نکته‌ای را تذکر داد و آن این که مقصود از مدیریت، تصمیم‌گیری بر اساس هوا و هوس نیست. مقصود آن است که سگان تصمیم‌گیری در زندگی باید به دست یک نفر باشد؛ اما ناخدای عاقل کشتی زندگی، باید در تصمیمات از اعضای دیگر خانواده؛ به ویژه همسر خود نیز بهره بگیرد. یک مدیر خوب کسی است که از حداکثر توان و ظرفیت مجموعه تحت مدیریتش کمال استفاده را بکند. چه اشکالی دارد که یک مرد در مسائلی که مربوط به خانم شده و با اصول زندگی هم اصطکاکی ندارد، تصمیم‌گیری را به عهده زن گذاشته و خود او هم به این تصمیم‌گردن نهد؟

هـ) داشتن ملاک مشخصی برای زندگی

این ویژگی هم از مشترکات زن و مرد خوب است. که پیش از این توضیح داده شد.



سنّت‌های الهی در رزق

شما جوانان را به سمت ازدواج سوق می‌دهید و از آنان می‌خواهید که منتظر پیدا کردن شغل ثابت هم نباشند. در برنامه‌های متعدّدی هم به مناسبت‌های مختلف از سنّت‌های الهی و معنوی سخن گفته‌اید. اگر امکان دارد، این بحث را کمی کاربردی‌تر کنید تا ما بدانیم که سنّت‌های الهی در رزق چیست؟



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و مولج آن»

یکی از مشکلات بزرگ ما آن است که علل را منحصر به علل مادی می‌دانیم. در جهان‌بینی یک مادی‌گرا هم، جهان دارای سنّت و نظام است؛ ولی او علّت‌ها و معلول‌ها را منحصر در علل مادی می‌داند. وقتی می‌خواهد دربارهٔ خیر و شرّ فرد و جامعه، بدبختی و خوش‌بختی، عوامل جلب روزی و ... بحث کند، فقط از علل مادی سخن به میان می‌آورد. ما خودمان هم این مشکل را داریم. وقتی وسعت یا تنگی روزی را در این دنیا مطرح می‌کنیم و می‌خواهیم دربارهٔ آن برنامه‌ریزی کنیم، تنها علل مادی به ذهنمان می‌رسد و اگر علل معنوی هم به ذهنمان برسد، روی آن

حساب باز نمی‌کنیم.

از نظر مادی، عوامل مؤثر در اجل و روزی و سلامت و سعادت و خوش‌بختی منحصرأ مادی است. تنها عوامل مادی است که اجل را نزدیک یا دور می‌کند، روزی را توسعه می‌دهد یا تنگ می‌کند، به تن سلامت می‌دهد یا می‌گیرد، خوش‌بختی و سعادت را تأمین یا نابود می‌کند؛ اما از نظر جهان بینی الهی، علل و عوامل دیگری که عوامل روحی و معنوی نامیده می‌شوند، نیز هم‌دوش عوامل مادی در کار اجل و روزی و سلامت و سعادت و امثال این امور مؤثرند. از نظر جهان‌بینی الهی، جهان یک واحد زنده و باشعور است، اعمال و افعال بشر حساب و عکس‌العمل دارد، خوب و بد در مقیاس جهان بی‌تفاوت نیست، اعمال خوب و بد بشر مواجه می‌شود با عکس‌العمل‌هایی از جهان که احياناً در دوره حیات و زندگی خود فرد به او می‌رسد. ایزد^۱ جان‌دار، اعم از حیوان و انسان، خصوصاً ایزد به صاحبان حقوق، از قبیل پدر و مادر و معلم، آثار سوئی در همین زندگی دنیایی به بار می‌آورد. در طبیعت، مکافات هست. این آثار و نتایج، خود قسمتی از مظاهر قضا و قدر است. بدیهی است که این‌گونه قضایا و ارتباطات میان حوادث و پدیده‌ها با جهان‌بینی الهی که جهان را یک دستگاه واحد زنده صاحب اراده و شعور می‌داند، قابل توجیه است و بخشی از روابط علی و معلولی را تشکیل



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ادواج انسان و مواعج آن»

می دهد و اما با طرز تفکر مادی و جهان بینی ماتریالیستی^۱ قابل توجه نیست. از نظر جهان بینی الهی، جهان هم شنوا است و هم بینا، ندا و فریاد جان دارها را می شنود و به آنها پاسخ می دهد.^۲

وقتی ما می گوییم از سنت های معنوی غافل نشوید، به این معنا نیست که از سنت های مادی روی گردان شوید. اتفاقاً در روایات و سیره اهل بیت علیهم السلام از پشت کردن به سنت های مادی به بهانه توجه به سنت های معنوی نهی شده است.

ابوعبیده به امام صادق علیه السلام عرض کرد: دعا کن که خدا روزی مرا در دست بندگانش قرار ندهد. حضرت فرمود: خداوند چنین کاری نمی کند. او روزی بندگان را در دست یکدیگر قرار داده است؛ اما از خدا بخواه که روزیت را در دست بندگان خوبش قرار دهد که این از خوش بختی است و در دستان بندگان بد خویش قرار ندهد که از بدبختی است.^۳

امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز فرمود: «به دنبال روزی بروید؛ چرا که روزی برای جوینده آن ضمانت شده است».^۴

۱. مادی گرا.

۲. انسان و سرنوشت، ص ۸۶.

۳. تحف العقول، ص ۳۶۲.

۴. الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۰۳.

در معارف دینی به صورت عام تقوا مایه رزق افزایی و گناه، موجب کاهش رزق معرفی شده است.
رسول اکرم ﷺ درباره سنت تقوا فرمودند:

ای مردم! تقوا را به عنوان تجارتی بگیرید که رزق را برای شما بدون سرمایه و تجارت می آورد. بعد هم حضرت این آیه را قرائت فرمودند که ﴿مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾^۱ و هر کس از خدا پروا کند، [خدا] برای او راه بیرون‌شدنی قرار می‌دهد و از جایی که حسابش را نمی‌کند، به او روزی می‌رساند.^۲

امام باقر علیه السلام فرمود: «بنده گناه می‌کند و به سبب آن روزی از او گرفته می‌شود».^۳

در معارف دینی علاوه بر این قاعده عام به برخی از علل معنوی که موجب افزایش رزق می‌شود اشاره شده که ما در این جا برخی از آن را می‌آوریم.

۱. صدقه

رسول خدا ﷺ فرمود: «صدقه زیاد بدهید تا روزی داده شوید».^۴ امیر مؤمنان علیه السلام نیز فرمود: «با صدقه دادن روزی را

۱. سورة طلاق: ۶۵، آیه ۲ و ۳.

۲. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۳۲.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۲۷۰.

۴. إرشاد القلوب إلى الصواب (دیلمی)، ج ۱، ص ۴۵.

فرود آورید».^۱

۲. خوش اخلاقی

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوش اخلاقی روزی را زیاد می‌کند».^۲

۳. نیکی؛ به ویژه نیکی با خانواده

امام صادق علیه السلام فرمود: «نیکی روزی را زیاد می‌کند».^۳ ایشان در روایت دیگری فرمود: «هر که با خانواده‌اش به نیکی رفتار کند، روزیش زیاد می‌شود».^۴

در میان خانواده، پدر و مادر از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. هر آن کس که زیاد شدن عمر و روزی، او را خشنود می‌کند، به پدر و مادرش نیکی کرده و صلۀ رحم را به جا آورد.^۵



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»

۴. اطعام

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «روزی کسی که اطعام می‌کند، سریع‌تر از فرو رفتن چاقو در کوهان شتر به سویس

۱. نهج البلاغه، قصار ۱۳۷.

۲. الزهد، ص ۳۰.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۳۷۲.

۴. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۴۰۸.

۵. میزان الحکمه، ج ۴، ص ۳۶۷۴.

می آید».^۱

۵. امانت‌داری

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود: «امانت‌داری روزی را افزایش می‌دهد».^۲

۶. دعا برای برادران دینی

امام باقر علیه السلام فرمود: «پشت سر برادرانت دعا کن که روزی را به طرف تو سرازیر می‌کند».^۳

۷. دائم الوضو بودن

کسی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: «دوست دارم که رزقم وسیع شود». حضرت فرمود: «همیشه طهارت داشته باش که این کار موجب زیادی رزقت می‌شود».^۴

۸. صلۀ رحم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «آیا شما را به بهترین اخلاق دنیا و آخرت راهنمایی کنم». اصحاب عرض کردند: «بله یا رسول الله!» حضرت فرمود:

کسی که با فردی که با او قطع ارتباط کرده رابطه برقرار

۱. الکافی، ج ۴، ص ۵۱.

۲. الخصال، ج ۲، ص ۵۰۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۷، ص ۱۰۸.

۴. میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۰۵۶.



کند و به کسی که او را محروم کرده عطا کند و از کسی که به او ظلم کرده درگذرد. کسی که شاد می شود از این که عمرش طولانی شود و رزقش وسعت یابد تقوا پیشه کرده و صلۀ رحم به جا آورد.^۱

رسول خدا ﷺ فرمود:

گروهی اهل فسق و فجورند و نیکوکار نیستند؛ اما صلۀ رحم به جا می آورند در نتیجه اموالشان زیاد و عمرشان طولانی می شود؛ حال چه می شود اگر این ها اهل نیکی باشند؟^۲

۹. زیارت امام حسین علیه السلام

امام باقر علیه السلام فرمود:

به شیعیان ما دستور بدهید که به زیارت قبر حسین علیه السلام بروند که زیارت او رزق را زیاد کرده و مایۀ طولانی شدن عمر و دفع بدی ها می شود.^۳

۱۰. مدارا

رسول خدا ﷺ فرمود:

همانا در مدارا و رفق، زیادی و برکت وجود دارد و هر که



۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۱۰۲.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۱۵۵. یعنی آن که اگر اهل نیکی بودند به طور حتم بهره بیش تری از این عمل می بردند.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۵۱.

از رفق محروم گردد، از خیر محروم می‌شود.^۱

۱۱. نماز شب

در روایتی رسول خدا ﷺ نماز شب را مایهٔ برکت در رزق دانسته است.^۲

۱۲. پرداخت حق مال

امام باقر علیه السلام فرمود: «زکات دادن روزی را افزایش می‌دهد».^۳

۱۳. خوش نیتی

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که نیتش خوش باشد، خداوند عزّ و جلّ رزق او را زیاد می‌کند».^۴

امتحانات الهی را فراموش نکنید

یک نکته را هم نباید فراموش کرد که تنگنای اقتصادی یکی از امتحانات الهی است که نباید از آن فرار کرد. امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

خداوند روزی‌ها را مقلّد فرمود و آن گاه آن را زیاد کرد و کاهش داد و به تنگی و وسعت تقسیم کرد و به عدالت

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲. رک: بحار الانوار، ج ۸۴، ص ۱۶۱.

۳. الامالی (طوسی)، ص ۲۹۶.

۴. الکافی، ج ۸، ص ۲۱۹.



رفتار نمود تا هر که را بخواهد به وسعت روزی و یا تنگی آن بیازماید و از این راه سپاس‌گزاری و شکیبایی فقیر و غنی را امتحان نماید.^۱

دستوراتی از علما برای افزایش روزی

مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری رحمته فرمود:

یک بار از آقای قاضی درخواست کیمیا و راهنمایی رسیدن به آن را کردم. ایشان فرمود: این ذکر را زیاد بگو «اللَّهُمَّ اغْنِنِي بِحِلَالِكَ عَنِ حَرَامِكَ وَ بِفَضْلِكَ عَمَّنْ سِوَاكَ» که این خود کیمیا است.^۲

در ایام جوانی حضرت امام رحمته به همراه آیت الله سید احمد زنجانی رحمته در مشهد با شیخ حسن علی نخودکی رحمته دیداری داشتند. این دو از شیخ، علم کیمیا را مطالبه می‌کنند. شیخ می‌گوید: «آیا تعهد می‌دهید در غیر آنچه مرضی خداوند متعال است از آن استفاده نکنید؟» هیچ یک متعهد نمی‌شوند. سپس شیخ می‌گوید: «چیزی می‌دهم که از کیمیا بهتر باشد». بعد هم این دستور العمل را می‌دهد: بعد از هر نماز واجب سه بار سوره توحید، سه بار



۱. نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

۲. در محضر افلاکیان، ص ۸۳. ترجمه دعا: «خداوندا! مرا به وسیله حلال خویش از آنچه حرام کرده‌ای و به واسطه فضل خویش از غیر خودت بی‌نیاز کن.»

صلوات و سه بار هم آیه «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا*
وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ
حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» را
بخوانید.^۱

شهید اوّل در کتاب شریف «النّفلیه» خود گفته است که
خواندن سوره واقعه در شب، پیش از خواب موجب امان
از تنگ دستی است.^۲



کلمی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ادواج آسان و موافق آن»

۱. سوره طلاق، ۶۵، آیه ۳ و ۲. ر.ک: زمزم عرفان، ص ۲۱۶.

۲. مصابیح الجنان، ص ۲۶۳.

منابع

۱. **قرآن کریم**، ترجمه: محمد مهدی فولادوند (م ۱۳۸۷)، چ ۱؛ تهران: دارالقرآن الکریم، ۱۴۱۵ ه.ق.
۲. ابوالحسن محمد رضی (۴۰۶ - ۳۵۹ ق)؛ **نهج البلاغه**؛ چ ۵، تحقیق: دکتر صبحی صالح؛ قم: انتشارات هجرت.
۳. **صحیفه سجادیه**، ترجمه و تدوین: علی شیروانی؛ چ ۱، تهران: معاونت پژوهشی و آموزشی سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۵.
۴. آمدی تمیمی، عبدالواحد، **غرر الحکم و درر الکلم**؛ چ ۱، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
۵. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله (م ۶۵۶ ق)؛ **شرح نهج البلاغه**، چ ۱، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ق.
۶. ابن فهد حلّی، احمد بن محمد (م ۸۴۱ ق)؛ **عدة**



الداعی ونجاح الساعی؛ چ ۱، تهران: دارالکتب الاسلامی، ۱۴۰۷ق.

۷. ابوالقاسم جعفر بن محمد بن قولویه قمی (م ۳۶۸ ق)؛ **کامل الزیارات**؛ چ ۱، قم: مؤسسه نشر الفقاهة، ۱۴۱۷هـ.ق.

۸. ابوالقاسم علی بن موسی (سید بن طاووس؛ م ۶۶۴ ق)؛ **فتح الابواب**؛ چ ۱، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ق.

۹. ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (۳۸۱ - ۳۰۶ق)؛ **ثواب الاعمال**؛ چ ۲، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۳۶۴.

۱۰. _____؛ **الخصال**؛ چ ۲، قم: انتشارات

اسلامی، ۱۴۰۳ق.

۱۱. _____؛ **علل الشرايع**؛ قم: انتشارات

داوری، بی تا.

۱۲. _____؛ **فقه الرضا** علیه السلام؛ چ ۱، مشهد:

المؤتمر العالمي للامام الرضا علیه السلام، ۱۴۰۶ هـ.ق.

۱۳. _____؛ **کتاب من لا یحضره الفقیه**،

چ ۲؛ قم: انتشارات اسلامی، ۱۳۶۳.

۱۴. ابوعبدالله محمد بن علی بن شهر آشوب (۵۸۶



ق)؛ مناقب آل ابی طالب علیہم السلام؛ نجف: انتشارات حیدری،
۱۳۷۶ هـ.ق.

۱۵. ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان العکبری
البغدادی (شیخ مفید؛ ۴۱۳ - ۳۳۶ ق)؛ **الإرشاد فی معرفة
حجج الله علی العباد**؛ قم: دارالمفید، ۱۴۱۳ق.

۱۶. _____؛ **الأمالی**؛ چ ۱، قم: کنگره
شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۷. _____؛ **الفصول المختارة**؛ چ ۱، قم:
کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ق.

۱۸. احمد بن حنبل؛ **مسند احمد**؛ بیروت: دارصادر،
بی تا.

۱۹. حسینی کاشانی، سید عباس؛ **مصایح الجنان**؛
چ ۱، قم: نشر جمال، ۱۳۸۴.

۲۰. دیلمی، حسین بن محمد (م ۸۴۱ق)؛ **إرشاد القلوب
إلی الصواب**؛ چ ۱، قم: انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۲۱. زمخشری، محمود بن عمر؛ (م ۵۸۳ق)؛ **الفایق فی
غریب الحدیث**؛ چ ۱، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.

۲۲. ساعی، سید مهدی؛ **به سوی محبوب**؛ چ ۳، قم:
دفتر آیت الله العظمی بهجت، ۱۳۸۱.

۲۳. ستوده، امیررضا و سید ناصری، حمید رضا؛



پاره‌ای از خورشید؛ چ ۱، تهران: مؤسسه نشر و تحقیقات
ذکر، بهار ۱۳۷۸.

۲۴. طباطبایی، محمد حسین؛ **المیزان فی تفسیر**

القرآن؛ چ ۵، قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۷ق.

۲۵. طبرسی، ابوالفضل علی (از علمای قرن هفتم)؛

مشکاة الانوار؛ چ ۱، قم: انتشارات دارالحدیث، ۱۴۱۸ هـ
ق.

۲۶. طبرسی، رضی الدین ابو نصر حسن بن فضل (از

علمای قرن ششم هجری)؛ **مکارم الاخلاق**، چ ۴، قم:

انتشارات شریف رضی، ۱۴۱۲ق.

۲۷. طریقه دار، ابوالفضل؛ **کند و کاوی درباره**

استخاره و تفأل؛ چ ۵، قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم،

۱۳۷۹.

۲۸. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن (۳۸۵ -

۴۶۰ق) **الامالی**؛ **تهذیب الاحکام**، چ ۴، تهران: دارالکتب

الاسلامیه، ۱۳۶۵.

۲۹. _____؛ **الامالی**؛ چ ۱، قم: مؤسسه

بعثه، ۱۴۱۴ق.

۳۰. العاملی، محمد بن الحسن الخُرّمی (م ۱۱۰۴ - ۱۰۳۳ق)

؛ **تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة**؛



چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۳۷۲.

۳۱. _____؛ **الجواهر السنوية**؛ قم:

انتشارات مفید، بی تا.

۳۲. عاملی، محمد بن مکی معروف به شهید اول (

۷۸۶-۷۳۴ق)؛ **ذکرى الشيعة فى احكام الشريعة**؛ چ ۱،

قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام، ۱۴۱۹ق.

۳۳. عباسی، مهدی؛ **ذکرهای نجات بخش**؛ چ ۱۵، قم:

موج علم، ۱۳۹۱.

۳۴. علی اکبری، محمدجواد؛ **مطلع عشق**؛ چ ۵، تهران:

دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۴.

۳۵. کوفی اهوازی، حسین بن سعید (قرن سوم)؛ **الزهد**؛

چ ۲، قم: المطبعة العلمية، ۱۴۰۲ق.

۳۶. کلینی، محمد بن یعقوب (م ۳۲۹ق)؛ **الكافی**؛ چ ۵،

تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تابستان ۱۳۶۳.

۳۷. گروه تحقیقاتی غدیر، **در محضر افلاکیان**؛ چ ۳،

تهران: سلسله مهر، ۱۳۸۹.

۳۸. المتقی الهندی؛ **علاء الدین علی (م ۹۷۵ق)؛ کنز**

العمال فى سنن الاقوال و الافعال؛ بیروت: مؤسسه

الرساله، ۱۴۰۹ق.

۳۹. مجلسی، محمد باقر (۱۱۱۱-۱۰۳۷ق)؛ **بحار الانوار**



الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام؛ ج ۲، بیروت:
مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۳ق.

۴۰. محمدی ری شهری، محمد؛ **تحکیم خانواده از**

نگاه قرآن و حدیث؛ ج ۱، قم: نشر مشعر، ۱۳۸۷.

۴۱. _____؛ **زمزم عرفان**؛ ج ۴، قم:

دارالحدیث، ۱۳۸۹.

۴۲. _____؛ **میزان الحکمه**، ج ۱، قم:

دارالحدیث، ۱۳۷۷.

۴۳. مطهری، مرتضی (م ۱۳۵۸)؛ **انسان و سرنوشت**؛

ج ۱۲، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۷۲.

۴۴. _____؛ **خاتمیت**؛ ج ۵، تهران: انتشارات

صدرا، ۱۳۷۰.

۴۵. _____؛ **نظام حقوق زن در اسلام**؛

ج ۱۴، تهران: انتشارات صدرا، ۱۳۶۹.

۴۶. معصومی، سید مسعود؛ **احکام روابط زن و مرد**؛

ج ۲۶، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱.

۴۷. مکارم شیرازی، ناصر؛ **تفسیر نمونه**، ج ۱؛ تهران:

دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.

۴۸. موسوی الخمینسی، روح الله (م ۱۳۶۸ ه. ش)؛

تحریر الوسیله؛ ج ۱، قم: دارالعلم، بی تا.



۴۹. نجفی، محمد حسن (م ۱۲۶۶ق)؛ **جواهر الکلام**

فی شرح شرایع الاسلام؛ چ ۷، بیروت: دار احیاء التراث

العربی، بی تا.

۵۰. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۳۲۰-۱۲۵۴ق)؛

مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل؛ چ ۱، قم: مؤسسه

آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.



کامی به سوی
زندگی به سبک اسلامی
«ازدواج آسان و موافق آن»